

“مادر مستاجر، کودک مورد اجاره و پدر اجاره دهنده است”

در دومین شماره فروردین ماه مجله هفتگی زن روز، مصاحبه‌ای از مهدوی کرمانی سرپرست دادگاه‌های مدنی خاص درباره مسایلی چون “حق حضانت”، “قیمومت والدین”، “نفقه زن و کودک”، “تعدد زوجات”، “حق ولایت” و... به چاپ رسیده است.

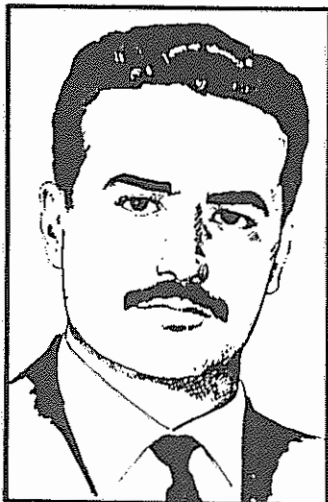
مهدوی کرمانی که مجری عقاید پیوسیده و عقب مانده رژیم خمینی از طریق دادگاه‌های مدنی خاص در عرصه حقوق زنان و خانواده در جامعه است، در این بقیه در صفحه ۲

حقوق زنان ستدیده میهنان به شدیدترین وجه دستخوش تساخت و تاز افکار گنبدیده و اقدامات ضد بشری حاکمان جمهوری اسلامی است. افکار متعلق به هزار و چند صد سال پیش در مورد زن و خانواده که گاه به صراحت بر زبان برخی از آنان جاری می‌شود، اینک در آستانه قرن بیست و یکم بر سرنوشت میلیون‌ها زن و خانواده ایرانی سایه افکنده است ابعاد ستم و فجایعی که بر زنان میهنان روا داشته می‌شود از ورای گفتار و نوشته‌های مسئولین رژیم نیز هویداست.



دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۶۵ | پیرایر ۴ | آوریل ۱۹۸۶
به ۶۰ سال - سال سوم - شماره ۱۰۲

یازده سال از شهادت جزئی و یاران او گذشت



۲۰ فروردین هر سال خاطره‌ای تلخ را به یاد می‌آورد. آن نوشته کذایی روزنامه‌های جیره‌خوار رژیم مبنی بر این که ۹ تن از زندانیان سیاسی حین فرار کشته شده‌اند. کسی این دروغ را یاور نکرد. اسامی مندرج در روزنامه‌ها نشان می‌داد که قضیه، قضیه ساده‌ای نیست. رفقا بیژن جزئی، حسن ضیا، ظریفی، سعید کلانتری، عزیز سمدی، عباس سورکی، محمد چوپانزاده و احمد جلیل افشار از رهبران و پایه‌گذاران سازمان و مجاهدین خلق کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوندل کشته شده بودند و این که این چهره‌های تابناک در بقیه در صفحه ۹

به پیشواز اول ماه مه
نبردهای طبقاتی در مراکز جهان سرمایه‌داری
در صفحه ۱۰

کارت دعوت برای آمریکا

طلب و خونریز خمینی امضا کرده است.

در هفته گذشته تبلیغات جنگ طلبانه خمینی حول محور سیچ نیرو به اوج خود رسید. این تبلیغات بی‌گمان به مذاق جرج بوش و همراهان وی که ماموریتشان بهره‌گیری از همین جنگ افروزیها است، بسیار خوش آمده است. آنها به شکل سبلیکی سوار بر ناو “اینتر پرایز” گشتند و در خلیج فارس گشت زدند.

سیچ نیرو اکنون شکل اجبار مکانی برای رفتن به جبهه را یافته است. فرمان‌ها و فتوای رنگ و وارنگ، فرمایش ویژه چاپ شده در روزنامه‌ها، فشار روزافزونی که در کارخانه‌ها، مدارس، موسسات و ادارات مختلف بر افراد برای رفتن بقیه در صفحه ۲

جرج بوش فرستاده ویژه آمریکا به منطقه خلیج فارس در روز چهارشنبه هفته گذشته بعنوان یکی از سخنگویان ژاندارم بین‌المللی با بی‌شرمی و احساس قدر قدرتی ویژه‌ای اعلام داشت که آمریکا برای مداخله در خلیج فارس منتظر دعوت قبلی نخواهد شد. مداخله جویی در ذات امپریالیسم تجاوزگر آمریکاست و به این اعتبار جرج بوش حرف تازه‌ای نروده است. اما اگر به انگیزه مهم سفر جرج بوش و همراهان وی به منطقه که همانا بهره‌برداری از فضای متشنج بعد از حمله جمهوری اسلامی به بندر عراقی فو است توجه کنیم در می‌یابیم که مقدمه چینی آمریکا برای یک دخالت گسترده تر چندان هم بدون دعوت قبلی نیست. کارت دعوت از آمریکا برای مداخله در منطقه را رژیم جنگ

اولک و غرب: چه کسی بایست را باین می‌آورد و با چه هدف؟

نفت در استراتژی نو استعمار

دکتر روبین آندرشاسیان

عمر جدید، شماره ۱۲ سال ۸۶

تقویت گردید، و کشورهای نواستقلال ایقای نقش بیشتری در اقتصاد و سیاست جهانی را آغاز کردند.

افزایش اختلافات

اما کشورهای رشد یابنده نتوانستند در سالهای ۷۰ بر وابستگی اقتصادی و موقعیت نابرابریشان در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری غلبه کنند. این کشورها همچنان حوزه‌هایی پایا زده پایین کار و مناسبات اجتماعی بسیار عقب مانده را تشکیل می‌دهند که مناطق رشد یافته صنعتی در آنها حکم بقیه در صفحه ۱۲

اخیرا امپریالیسم، و به ویژه امپریالیسم آمریکا، در جبهه اقتصادی نیز حمله متقابل شدیدی علیه کشورهای رشد یابنده آغاز کرده است تا از کشورهای نواستقلال، دستاوردهای دهه ۷۰ را پس بگیرد.

در دهه ۷۰ از طریق فشار مشترک به غرب، تقریباً همه جا امتیازات خارجی مربوط به معادن لغو شد، قیمت مواد خام سریعاً افزایش یافت، و وابستگی کشورهای صنعتی به صادرات مواد خام مستعمرات سابق افزوده شد. در نتیجه، سهم کشورهای نواستقلال در تولید جهانی بالا رفت. این کشورها قادر شدند مبارزه برای نظام نوین اقتصاد جهانی را آغاز کنند. با حمایت فعال جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش غیر متعهدا

مردم آئین نوروز را پاس داشتند

“به امید عیدهای بدون جنگ و بدون خمینی”

عید، مهره‌های ریز و درشت رژیم با استفاده از هر فرصتی می‌گفتند “جنگ مسئله اصلی است”، “عید مایه‌پروزی در جنگ است” و... مردم را از تدارک برای نوروز بر حذر می‌داشتند. جرثومه‌های چهل که سرتا پای حکومتشان، همه عقاید پیوسیده و قرون وسطایی‌شان بر خرافات استوار است، وقیحانه به آداب و رسوم مردمی به اسم “خرافه” حمله می‌کردند.

اما مردمی که این حکومت جز فلاکت و ویرانی، کشتار و سرکوب، چیزی برایشان به ارمغان نیاورده، نوروز را فرصتی می‌دانستند که در آن، دریچه دلشان را به روی امید به بقیه در صفحه ۲

نوروز، عید مردم، عید زندگی، عید زدودن پلشتی‌ها و عید امید، امسال با شکوه هر چه تا متری برگزار شد. همه تبلیغات رژیم و همه تلاشهای آن برای تحت الشعاع قرار دادن نوروز، بی‌ثمر ماند. نوروز ۶۵، بر خلاف نوروز ۶۴ که خمینی و صدام جنایتکار، با جنگ شهرها پدان رنگ ویرانی و فاجعه، رنگ غم و عزاداده بودند، به مظهر پابندی مردم به سن ملی‌شان علیرغم خواست و تلاش فقهایی سیاه دل بدل شد.

نوروز امسال با هیاهوی گسترده خمینی و اعوان و انصارش در مورد جنگ، کشور کشایی جدید و بسیج هر چه بیشتر نیرو برای کشتار گامهای جبهه همزمان شده بود. از مدت‌ها قبل از

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

مردم آئين نوروز را پاس داشتند

"به امید عیدهای بدون جنگ و بدون خمینی"

بقیه از صفحه اول

اطراف تهران که امکان نشستن و استفاده از طبیعت هست، پر از جمعیت شده بود. مردم با استفاده از هوای خوب این روز، به مناطق اطراف کرج، شهریار، ولفجک، آمل، جاده هراز و... هجوم آوردند. از سنگینی ترافیک، جاده‌ها صبح به طرف مقاصد و عصر به طرف شهر یکطرفه اعلام شده بود. از صبح زود، مردم طبق معمول سبزه‌هایشان را به خیابان آورده بودند. از ۵ صبح به بعد صدای اتومبیلها لحظه‌ای قطع نمی‌شد.

بسیاری از مردم که امکان رفتن به بیرون شهر را نداشتند، به پارکها آمده بودند. همه پارکهای تهران مملو از جمعیت بود. مناطقی مثل وسط و اطراف میدان آزادی، وسط بلوار کشاورز، وسط و کنار بلوارهای اطراف فرودگاه و... را مردم با بساطشان پر کرده بودند. کوههای اطراف تهران شلوغ بود.

در تمام طول ایام عید، مردم نشان دادند که سنتهای پویای خود را زنده نگه می‌دارند و با گرامی داشتن این سنت‌ها، تلاش رژیم را که دشمن آداب و رسوم ملی ایرانیان است، نقش بر آب می‌کنند. نوروز ۶۵، عید گرامیداشت امید بود، امید به آینده‌ای فارغ از شب پرستان، فارغ از جنگ، فارغ از فقر. امید به آینده‌ای که دستان مردم خواهد ساخت.

بعضی از مردم، از فرصت عید برای مسافرت استفاده کردند. شهرها و روستاهای شمال دیگر جا نداشت.

خمینی روز چهارم عید سفرانی کذایی اش را انجام داد و گفت همه باید به چیه بروند، همه چیز باید در خدمت جنگ باشد و... بدنبال این سفرانی، سرتاپای رژیم سیچ شد تا برای چیه، گوشت دم ترب در دست کنند. فقها خیال می‌کردند دیگر عید تمام شد، و بعد از سه روز تشییع جنازه کشته‌های جنگ را که از ترس اعتراض مردم در ایام عید قطع کرده بودند، در بعضی شهرها دوباره به راه انداختند. می‌خواستند ۱۲ فروردین، روز جمهوری اسلامی را به خیال خودشان به روز "لیک" به دستور سیچ خمینی تبدیل کنند. اما هر چه تلاش کردند، در تهران جز جمعیت معمول نمایش های جمعه، نتوانستند کسی را به دانشگاه بکشانند.

در عوض، فردای آن روز مردم به دستور خمینی پاسخ دادند، اما پاسخی که خودشان می‌خواستند، نه آنکه رژیم می‌خواست. از چند روز قبل، بلندگوهای رژیم که جرات در افتادن با سنت نوروز را نداشتند، نیرویشان را روی سبزه بدرمترکز کرده بودند. تشریفات آخوندی، در باره "حرام" بودن این سنت قلم فرسایی می‌کردند.

روز سبزه‌بدر، هر جایی از

آینده بکشایند. فرصتی که در آن، نوید پیروزی آتی زندگی و سعادت بر سپاه چهل و عزایداری می‌گردد.

خرید شب عید که همیشه جزئی از تدارکات نوروز بوده است، نمودار کاملی برای هر چه باشکوه تر برگزار کردن نوروز بود. علیرغم گرانی سرسام آور اجناس، علیرغم کاهش قدرت خرید مردم، و علیرغم کمبود و نبود بسیاری اقلام، در خیابانهای اطراف بازار و مرکز شهر تهران و خیابانهای که مغازه و فروشگاه در آن زیاد است، در روزهای قبل از عید جای سوزن انداختن نبود. هر کس تا حد توانش، به خرید شیرینی، لباس نو و... می‌پرداخت. بسیاری از مردم که جنگ لعنتی و سیاستهای خائنانه پر بادده رژیم، از قدرت خرید آنها به شدت کاسته، لااقل تلاش خود را برای تهیه اجناس ضروری عید می‌کردند. کارگران که اسامال به علت افلاس مالی رژیم، یا عیدی نگرفته و یا کمتر از سالهای پیش عیدی گرفتند، با همان مبلغ مختصر هم کوشیدند خرید عید را انجام دهند. کارمندانی که سکه گرفته بودند، سکه‌های خود را بلافاصله فروختند تا برای خرید پولی دست و پا کنند. در روز ۲۹ اسفند، شیرینی فروشیها بسیار شلوغ شده بود. اکثر آنها شیرینی‌هایشان را تا بعد از ظهر تمام کردند.

شب چهارشنبه سوری، در سراسر تهران صدای ترقه لحظه‌ای قطع نشد. کوچه‌ها و خیابانهای اغلب شهرها، شاهد منظره جالبی بود: برو و بچه‌ها بته‌های آتش را برپای می‌کردند، کمیته جی‌ها سر می‌رسیدند و آتش را بهم می‌زدند، تا پاساها را گورشان را کم می‌کردند، دوباره بته جمع می‌شد و آتش برپا. شهنشاه سراسیمه اینطرف و آن طرف می‌دویدند تا ترقه‌ها و فشقه‌ها را از دست بچه‌ها بگیرند، اما مگر حریفشان می‌شدند؟

روز اول عید، با آنکه هوا در تهران سرد و برفی بود، بازار دید و بازدید گرم بود. در این دیدارها، اولین چیزی که مردم به هم می‌گفتند این بود: "به امید عیدهای بدون جنگ و بدون خمینی". هر کس را که در خیابان می‌دید، بهترین لباس را پوشیده بود.

کارت دعوت برای آمریکا

بقیه از صفحه اول

به چیه وارد می‌شود، پیکر و سیعتر جوانان و به راه افتادن یک ماشین تبلیغاتی عظیم همه نشانه‌های آنند که خمینی می‌کوشد مقدمات کشتار بزرگ دیگر را فراهم سازد. رفسنجانی دولتمرد درجه یک دستگاه خمینی در هفته گذشته در یک مراسم جنگی و تبلیغاتی ویژه سیچ نیرو و فریاد برداشت که: همه امکانات مملکت در خدمت جنگ! تاکنون جز این عمل نشده است ولی حال که خمینی و دولتمردانش این چنین بر روی جنگ تبلیغ می‌کنند می‌خواهند دیگر به راستی حیات جامعه را به حالت تعطیل درآورند و همه جلوه‌های هستی آن را در پای عفریت جنگ قربانی کنند.

اعلام "سیچ عمومی" سیچ برای کشتار و ویرانی و انهدام و در ادامه سیاست جنگ افروزی و تشنج طلبی مطلوب آمریکاست. سران جمهوری اسلامی با اعلام "سیچ عمومی" و ابراز آمادگی برای کشتار بزرگ، یکبار دیگر نشان می‌دهند که بحران همه جانبه ناشی از جنگ را تنها می‌خواهند با جنگ حل کنند و اکنون که بحران اوج گرفته و عنان کسبخته گشته است، چاره را در به اوج رساندن جنون جنگ طلبی خود دیده‌اند.

حاصل "سیچ عمومی" بی‌گمان آن نخواهد شد که فقهای جنگ طلب می‌پندارند و تبلیغ می‌کنند. فشار برای رفتن به چیه‌ها، فشار برای خون دادن و کشته شدن و عزادار گشتن و فشار برای تحمل کرسنگی و پیکاری و بی سرپناهی جز همه گیر شدن و عقب یافتن بیشتر نفرت عمومی از جنگ و واکنش فعال در قبال آن، پاسخی نخواهد داشت. حاصل مسلم سیچ عمومی، سیچ نفرت عمومی علیه جنگ است.

توضیح و پوشش

در شماره گذشته در مقاله "خمینی کاشت، آمریکا برداشت" چملائی از متن افتاده است متن صحیح آن چنین است:

حکومت خمینی در این راستا نیز خدمت بزرگی به آمریکا کرده است، نفوذ بیشتر در منطقه و فروش سلاح بیشتر در منطقه. جنگ افروزی دولت خمینی بزرگترین ثمرات را برای امپریالیسم آمریکا ببار آورده است.



سرپرست دادگاههای مدنی خاص:

“مادر مستاجر، کودک مورد اجاره و پدر اجاره دهنده است”

بقیه از صفحه اول

سرنوشت جگرگوشه اش و جلوگیری از هلاک شدن او اقدام کند. وی می گوید: "در مورد جراحی بچه نیز وقتی احتیاج به عمل باشد پدرش در حال حاضر نیست و یا دسترسی به او ندارند و یا دهات دوری است مادرهم وقت گرفته و در نوبت بوده و همین امروز وقت عمل است؛ می آید دادگاه. در دادگاه خواسته اش را مطرح می کند..."

سرپرست دادگاههای مدنی خاص در ادامه مصاحبه اش در پاسخ سؤال "زن روز" مبنی بر اینکه نمی شود قانونی وضع شود که خانم ها به این حق برسند و مثل پدرها باشند"، می گوید: "این را نه قانون می پذیرد و نه شرع منور."

در جمهوری اسلامی زنان حق دارند به جبهه جنگ بروند و به خاطر امیال پلید خمینی کشته شوند ولی حق ندارند برای نجات جان فرزندانشان اظهار نظر کنند.

مهدوی کرمانی نه تنها از تاکید روی سخنان فوق ابایی ندارد بلکه این را نیز معترف است که جمهوری اسلامی اندک حقوق خانواده و اجتماعی را که میلیون ها زن ایرانی طی سال ها مبارزه علیه رژیم ستم شاهی توانسته بودند به دست آورند را نیز پایمال کرده است. تعدد زوجات نمونه ای از حق کشی و تضيیقات رژیم خمینی علیه زنان و بنیاد نظام خانواده است. وی در این مورد که در گذشته ساله تعدد زوجات به وسعت امروز نبوده اعتراض می کند و می گوید گذشته و امروز اگر تفاوتی کرده در شرعی و غیر شرعی بودن آن است. "البته هشت نه سال قبل، مأموران مردان دو زن را تعقیب نمی کردند اگر زنی شکایت می کرد، سراغ مرد می رفتند که چرا بدون اجازه او زن گرفته ای والا اگر کسی چهارتا زن هم می گرفت ولی شاکی نداشت کسی هم کاری به کار او نداشت." شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی نیز این را تکمیل کرده و اعلام نموده که حتی الزام به اجازه از زن برای شوهر ضروری نیست. بنابر این "قبلا هم بودند آن موقع کارهای خلاف شرع و خلاف قانون می کردند اما حالا گفته اند چرا خلاف قانون و شرع، بیایید ضوابط شرعی را رعایت کنید!"

نشریه

شماره ۱۶ فروردین ماه ۱۳۶۵

بایستی این مبلغ را به شما بدهم وقتی مادر برای بزرگ کردن بچه اجیر شد، چون در سند اجاره تا مدت تمام نشود، شخص حق فسخ ندارد، در اینجا نیز چون مادر مستاجر است و از شخص پدر مورد حضانت را که بچه است اجاره کرده باید تا مدت قرار داد اجاره که سن بلوغ بچه است، اجاره به قوت خود باقی بماند. در این وقت اجاره مدتش پایان یافته است، چون بچه ها به سن بلوغ رسیده اند و



دادگاه صادر شود تا حقوق زن هنگام حضانت کافی و وافی باشد؟ مثلا خانمی کودکش سوزن خورده بود برای عکس برداری از بچه اجازه مرد را می خواستند... "با وفاق حق که ممیزه همه دست اندرکاران رژیم خمینی است، جواب می دهد، "اتفاقا همین امروز یک پرونده آوردند که خانمی بچه ای به بغل داشت و می گفت از دهات قم آمده است و می خواهد بچه را برای عمل جراحی به بیمارستان ببرد. او گفت که به من گفته اند باید پدرش باشد و اجازه دهد. خوب پدر ولی فرزند است و فرزند تحت نظر پدرش است و چون پدر بر فرزند ولایت دارد، اجازه او شرط است. "مهدوی کرمانی تاکید می کند که حتی اگر طفلی در معرض خطر مرگ باشد و به پدر دسترسی نباشد مادر حق ندارد در مورد

سرپرست دادگاههای مدنی خاص اضافه می کند که در جمهوری اسلامی زنان نه تنها مورد اجاره قرار می گیرند بلکه بنابه ضوابط حکومت خمینی آنان در زمینه ازدواج، سکون و مسافرت و حتی علاج بیماری فرزندانشان نیز حق ندارند تصمیم بگیرند. او صریحا اعلام می کند در صورت غیبت پدر، مادر حتی برای انجام عمل عکسبرداری و یا آزمایش بیماری فرزندش باید به دادگاه و به امثال مهدوی کرمانی مراجعه کند. مهدوی کرمانی در مقابل این سؤال که: "وقتی برای عمل عکسبرداری و یا عمل جراحی نیاز به پدر پیدا می شود ولی زن نمی تواند چنین اجازه ای بدهد، حتی وقتی که طفل در حضانت اوست - آیا نباید در این زمینه اختیاراتی به زن داد و یا حکمی از

مصاحبه صراحتا اعلام می کند که رژیم به هیچ یک از ارزش های انسانی و اجتماعی پای بند نیست و به اعتقاد اینان زنان نیز همچون دیگر کالاهای می توانند مورد قرارداد و اجاره قرار گیرند این قرارداد می تواند ناظر بر حق حضانت و حق زنان نسبت به کودکان خویش و روابط زن و شوهر باشد بنابر این قانون عقود و ایقاعات که بر چگونگی روابط خرید و فروش کالا نظارت دارد بر اساس این قرارداد روابط زن و مرد و کودکان آنها را نیز شامل می شود.

در این مصاحبه سرپرست دادگاههای مدنی خاص اعلام می کند: "... ولایت و حضانت (برای پدر) حکم است و حکم هم قابل اقاط نیست. مثلا حکم است که مانع از ظلم و عصر را بخوانیم. سپس مهدوی کرمانی تفکر پوسیده و چندش آور حاکم در جمهوری اسلامی را در این باره با مثالی شرح می دهد. او می گوید: "زن به نحوی دیگر می تواند حضانت را در ضمن عقد خارج لازم دیگری به عهده بگیرد، یعنی قرارداد دیگری ببندد، مثلا بگوید من بچه را تا این سن بزرگ می کنم و شما باید از حالا روزی فلان مقدار خرج او را بدهید هم چنین بگوید من اگر خرج بچه را ننگرفتم روزی که بخواهی بچه را پس بگیری باید فلان مبلغ را به من بدهی... یا مرد ضمن عقد قرارداد دیگری حق حضانت و اجازه را به زن واگذار کند مثلا بگوید که من حضانت این بچه را در مدت سه یا چهار سال به شما می دهم که شما اجیر شوید بچه را بزرگ و سرپرستی کنید در این مدت من هم بایستی این مبلغ را به شما بدهم وقتی مادر برای بزرگ کردن بچه اجیر شد، چون در سند اجاره تا مدت تمام نشود، شخص حق فسخ قرارداد را ندارد، در اینجا نیز چون مادر مستاجر است و از شخص پدر مورد حضانت را که بچه است اجاره کرده باید تا مدت قرارداد اجاره که سن بلوغ بچه است، اجاره به قوت خود باقی بماند. در این وقت اجاره مدتش پایان یافته است..."

جمهوری اسلامی در تلاش برای ایجاد روابط
حسنة با دولت جدید فرانسه هفته گذشته میزبان یک
هیأت فرانسه به ریاست آندره روس قائم مقام وزیر
خارجة این کشور بود. این هیأت روز چهارشنبه وارد
تهران گشت.

اقدام قاطع کارگران کارخانه سیمان

به دنبال تصمیم مدیریت کارخانه سیمان تهران مبنی بر کاهش سود ویژه پرداختی به کارگران، آنان به عنوان اعتراض، در روز پنجم اسفندماه، متحدانه به مدت چند ساعت دست از کار کشیدند. در پی این اقدام کارگران، تصمیم مدیریت لغو گردید و هیأتی از سوی سازمان صنایع ملی برای بررسی موضوع به کارخانه آمد. آن‌ها که در برابر قاطعیت کارگران خود را باختند، می‌گفتند: مساله تنها سود نیست بلکه گروه‌ها به منظور اغتشاش کارگران را فریفته و در این اعتراض نقش داشته‌اند.

اعتراض کارگران کارخانه چیت تهران

در کارخانه چیت تهران مدیریت برای حقوق دی‌ماه کارگران دندان تیز کرده بود. بدین علت به جای حقوق مبلغی به عنوان علی‌الحساب به کارگران پرداخته شد. اما این اقدام موجب واکنش جدی کارگران گردید. آن‌ها دسته‌جمعی اعتراض نموده خواهان پرداخت کامل حقوق خود شدند، در نتیجه مدیریت مجبور گردید بلافاصله حقوق کارگران را بپردازد.

تعطیل کارخانه‌ها به دلیل نبود سوخت

در اوایل بهمن‌ماه، گاز مصرفی کارخانه‌های پارسرام، ثبات و کامران و سایر کارخانه‌های گازسوز قریح ورامین قطع شد. کارخانه‌ها تعطیل و کارگران به مرخصی اجباری فرستاده شدند. در "دهه فجر" گاز این کارخانه‌ها را به شرط استفاده نیمی از کوره‌ها، تامین کردند بعد از ۲۲ بهمن مجدداً گاز کارخانه "ثبات" قطع شد و از کارگران خواستند که به مرخصی بروند. اما کارگران نپذیرفتند و همه روزه در محوطه کارخانه تجمع

کردند. همچنین گاز کارخانه‌های کیان و تکنو آجر نیز قطع شد و کارگران این واحدها نیز به مرخصی اجباری فرستاده شدند.

اعتراض به نحوه اجرای طبقه‌بندی مشاغل

در بهمن‌ماه، کارگران کارخانه ایرانی‌ت به نحوه پیاده شدن طرح طبقه‌بندی مشاغل اعتراض کرده، ساوانی مدیر امور مالی را به باد کتک گرفتند و از کارخانه بیرون انداختند. به دنبال آن، تفرات کمیته انقلاب اسلامی شهری به کارخانه آمده و دو نفر از کارگران و نیز دو تن از حسابداران را دستگیر و با خود بردند. اعتراض کارگران در مورد نحوه اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل هنوز ادامه دارد.

مامامورحل اختلاف نیستیم

لارستان - اوز - "تعمت الله درخشان" که از چند سال پیش در امارات متحده به سر می‌برد پس از کلاهبرداری‌های فراوان به ایران بازگشت و سپس به عضویت سپاه پاسداران درآمد. نامبرده که اکنون از موقعیت تثبیت شده‌ای در سپاه برخوردار است به سو استفاده‌های متعددی زده است. وی سهمیه سیمان تمام کارگاه‌های موزائیک سازی و بلوک‌زنی و همچنین سهمیه سیمان پخش‌داری را در اختیار دارد و تا آنجا که می‌تواند از آن‌ها می‌دزد و به فروش می‌رساند.

این پاسدار کلاه‌بردار با تکیه بر موقعیت خویش و زدوبند با همیالکی‌هایش از مدتی پیش دست به فروش زمین‌هایی زده است که متعلق به شخص دیگری می‌باشد و براساس گفته بستگان درخشان، صاحب زمین، خانواده‌اش مدتهاست که در کشورهای حوزه خلیج فارس زندگی می‌کنند.

صاحب زمین پس از اطلاع از این موضوع، به دادگاه شکایت کرد، اما رای دادگاه چنین بود، ما مامور حل اختلاف نیستیم!

قرار سربازان

تعداد بسیاری از سربازانی که از استان هرمزگان به خدمت سربازی فراخوانده شده بودند، در فرصت مناسبی از سربازخانه یا جبهه فرار کرده و به ده یا شهر خویش بازگشته‌اند. این گونه سربازان به ویژه در بندرعباس در روستاهای فین، رضوان، کهنوج و جیرفت پراشیده‌اند. آن‌ها علت فرار خود را فشارهای روحی فرماندهان و مهمتر از آن وضعیت خراب جبهه‌ها که هر لحظه خطر مرگ را در بر دارد، ذکر می‌کنند.

در عین حال رژیم به منظور یافتن مشمولین و سربازان فراری، اخیراً یورش وسیعی به روستاهای این استان آورده، اما با اعتراض و مقاومت اهالی مواجه شده است.

قبض برق سال ۵۷

از آبان ماه ۶۴، شرکت برق در بندرعباس، قبض برق سال ۵۷ را که مردم در مقاومت علیه رژیم گذشته از پرداخت وجوه آن سرباز زده بودند، برای بخشی از اهالی این شهر ارسال کرده است. این اقدام در محله رودباری‌ها (پشت بیمارستان شریعتی) با خشم و تنفر اهالی مواجه گردیده است.

اکثر قبض‌های ارسالی از هشت تا هفده هزار تومان رقم خورده‌اند و به ساکنین محله که عموماً از روستاهای اطراف به بندرعباس مهاجرت کرده‌اند و زندگی فلاکت باری را می‌گذرانند، اختراشده است که در صورت عدم پرداخت فوری وجه قبض، برق خانه‌شان قطع می‌گردد.

کنند. قبل از آن عده‌ای از روستاییان جهت طرح شکایت به مسئولین طراز اول مراجعه کرده بودند اما پاسخی نترفتند. در برخی از دیگر روستاهای منطقه نیز اعتراضات و مقاومت‌هایی صورت گرفته است.

در پی مقاومت کشاورزان، مقتدایی سختگوی شورای عالی قضایی به شهر اراک سفر کرد و طی جلسه‌ای که با حضور مسئولین جهت بررسی موضوع برگزار شده بود، به آنها گفت فعلاً دست نگه دارید! چون باید به جبهه نیرو اعزام کنیم و بچه‌های روستاییان در جبهه هستند.

فدایی نماینده سربند نیز در سخنرانی‌های خود، از روستاییان خواست با دولت در حال جنگ همکاری نکنند! چهره کربه فریب و جنایت در این گفته‌ها موج می‌زند.

در شرایطی که فقر، گرسنگی، بیماری، درگیری و بیکاری روز افزون بر هستی دهقانان جنگ انداخته است، کارگزاران رژیم برپای بزرگ مالکان بوسه می‌نهند و برای گردآوری نیرو و کشتار در جبهه‌ها به روستائیان می‌انداشند.

روستاهای سربند که زمین‌های مزروعی آنها وقفی بوده را، بپردازند.

طبق این اخطاریه هر کشاورزی باید سالانه ۸ هزار تومان و دو خوار گندم پرداخت نماید. بر اساس دستورالعمل تعیین شده، کشاورزان موظفند مالیات عقب افتاده ۱۲ سال را بپردازند. اوقاف مالیات دوسال از این سالها را که به رژیم سابق پرداخت شده بود، تحت عنوان پرداخت مالیات به طاغوت، رد نموده و آنرا نیز مطالبه می‌کند.

کارگزاران رژیم "ولایت فقیه" با وقاحتی که مشخصه چنین جانورانی است کمر به خدمت بزرگ مالکان بسته‌اند و می‌خواهند هر آنچه را که دهقانان زحمتکش میهن ماطی سال‌ها با رنج کاری توانفرسا و به برکت مبارزات خویش بدست آورده‌اند از آنان باز پس گرفته بین خود واریاب‌ها تقسیم نمایند. اما این زورگویی‌ها و اجحافات بیرحمانه با خشم و انزجار روستاییان روبرو گردیده است. از جمله روستاییان روستای "حک علیا" تجمع کرده، با هم عهد بستند که در برابر این گونه اقدامات ابستادگی

ابطال اسناد مالکیت زمین‌های کشاورزان

مقرر نموده بود، به آنها سند مالکیت داد. مدتی پیش، پس از فتوای "ولی فقیه"، از سوی اداره اوقاف اعلام شد که اسناد مالکیت دهقانان منطقه که در سالهای ۴۹ و ۵۰ صادر شده بودند، باطل می‌گردد و کشاورزان موظفند سهم موقوفه سال‌های ۴۷ تا ۵۰ و بعد از آن را بپردازند.

بمنظور اجرای این حکم، اوقاف با کمک عزت الله خان، فتودال معروف منطقه، به طرح مساله با کشاورزان پرداخت. سهم دریافتی اوقاف و عزت الله خان طبق قرار سال‌های گذشته، بترتیب ۶۰٪ و ۴۰٪ است.

در همین رابطه اقدام مشابهی نیز با همکاری حسین خاکباز از فتودال‌های معروف این منطقه و اوقاف صورت گرفته است. اوقاف طی اخطاریه‌ای به کشاورزان اعلام کرده است که می‌باید مالیات موقوفه ۳۰ پارچه از

رژیم جمهوری اسلامی آشکارا در راستای حمایت از بزرگ مالکی و حفاظت از بنای مخروبه مناسبات فتودالی کام برمی‌دارد.

ابطال اسناد مالکیت زمین‌های کشاورزان که با بهانه موقوفه بودن آنها انجام می‌گیرد، نمونه دیگری از اقدامات رژیم در حمایت از فتودال‌ها و علیه دهقانان محروم کشور ماست.

آنچه در "سربند" اراک بوقوع پیوسته، جلوه‌ای از اینگونه اقدامات است. زمین‌های این منطقه که سال‌ها قبل در اختیار عزت الله خان بیات بود در سال ۴۲ تحت عنوان اراضی وقفی به کشاورزان اجاره داده شد. در سال‌های بعد، این اراضی در قیلاعات کوچک بین کشاورزان تقسیم شدند و در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه دولت وقت بابت فروش زمین به کشاورزان، در ازای مبلغی که خود

جنگ ایران و عراق

اولین کنگره کمیته صلح سوئد
خواستار پایان فوری جنگ شد

ماجرای جوی و جنایت

اخبار جنگ ایران و عراق که در بهمن ماه گذشته با حمله نیروهای مسلح رژیم خمینی به بندر عراقی فاو اوج تازه‌ای یافت صفحات بسیاری از روزنامه‌های جهان را به خود اختصاص داد. احزاب و سازمان‌های مترقی و صلحدوست جهان و بویژه احزاب کمونیست در شماره‌های اخیر نشریات خود، اخبار و مقالات متعددی در مورد این فاجعه خونبار و اثرات ویرانگر آن به چاپ رسانده‌اند. در زیرنگاه گذرایی به سه مقاله مندرج در روزنامه‌های "ریزوسپاستیس" ارکان حزب کمونیست یونان، "موندوایبرو" ارکان مرکزی حزب کمونیست اسپانیا و نیز ارکان مرکزی حزب کمونیست لوکزامبورگ می‌افکنیم:

ریزوسپاستیس در شماره ۱۴ فوریه خود می‌نویسد: هیچکس نمی‌تواند نقش غیرمسئولانه و ماجراجویی بی‌آینده‌ای را که رژیم ایران بازی می‌کند، انکار کند. در حالی که اوضاع بین‌المللی خطرناک و بحرانی است، در حالی که کوشش‌های زیادی برای کاستن از شدت (خطر) و خنثی کردن حوزه‌های آن، انجام می‌گیرد، رژیم ایران وقت یافته است که اوضاع را خراب‌تر کند."

ارکان حزب کمونیست یونان می‌افزاید: "رژیم تهران به این جنگ برای حل مشکلات داخلی احتیاج دارد." و در پایان چنین می‌نویسد: "آن مسئله‌ای که در دستور روز خلق‌های ایران و عراق و امنیت منطقه می‌باشد، صلح است."

در "موندوایبرو" (شماره اول سال ۱۹۸۶) چنین می‌خوانیم: "شش سال است که ایران و عراق در جنگی که انگیزه‌های نخستین آن به فراموشی سپرده شده‌اند به یکدیگر خسارت وارد می‌کنند. کشمکش مرزی که رئیس‌جمهور عراق از آن بعنوان بهانه‌ای برای اشغال اراضی ایران استفاده کرد، امروزه عرصه دیگری کشیده شده است. جنگ در حال حاضر بر بنیادگرایی رهبران اسلامی تکیه دارد." در ادامه این مقاله پیرامون اوضاع ایران آمده است: "اقتصاد کشور منحصر بر تأمین هزینه‌های جنگی متمرکز شده است. در نتیجه این امر وابستگی به تولیدکنندگان سلاح هر روز افزایش بیشتری می‌یابد. "برای خرید تسلیحات از... ایالات متحده گرفته تا اسرائیل... قراردادهای تجاری، منعقد می‌شود."

"موندوایبرو" می‌افزاید: "رهبران جمهوری اسلامی به "دشمن خارجی" برای محدود شدن داخلی نیاز دارند، و تاکنون از این بهانه استفاده کرده‌اند." ارکان حزب کمونیست اسپانیا ضمن اشاره به سرکوب دیوانه‌وار نیروهای سیاسی در ایران که برای صلح و آزادی می‌جنگند، می‌نویسد: "فدائیان خلق شاید تنها گروهی هستند که در لحظه کنونی توانسته‌اند تشکیلات خود را در داخل دست نخورده نگاه دارند."

موندوایبرو در پایان مقاله‌اش چنین نتیجه‌گیری می‌کند: "در ایران، مبارزه در راه آزادی در درجه نخست مستلزم پایان دادن به جنگ است."

ارکان مرکزی حزب کمونیست لوکزامبورگ در رابطه با مقاومت فزاینده جوانان مشمول در برابر سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم خمینی و موج گسترده مخالفت آنان با ادامه جنگ می‌نویسد: دهها هزار نفر از جوانان از معرفی خویش به اداره نظام وظیفه خودداری کرده‌اند. آنها با هر حساب امکان خویش کشور را بطور غیر قانونی ترک گفته‌اند و با نژاد دوستان و بستگان خویش مخفی گردیده‌اند.

قطعه‌نامه روزنامه نگاران هند در مورد جنگ ایران و عراق

عمیق خود را از جنگ ایران و عراق ایران داشت، شورا خواستار آتش‌بس فوری جنگ و حل اختلافات از طریق مذاکره که به نفع بشریت صلحدوست و مردم دو کشور است، شد. شورا همزمان با این مساله، نگرانی عمیق خود را در مورد سرکوب آزادی مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران ابراز کرد."

شورای ملی فدراسیون روزنامه نگاران شاغل هند، در پایان قطعه‌نامه از جامعه بین‌المللی خواسته است که مقامات ایرانی را از ادامه ابراء، سیاست‌هایی که "منجر به ویرانی ایران" می‌تواند، بازدارند.

روز ۲۵ اسفند (۱۶ مارس) در میتینگی که از سوی "شورای ملی فدراسیون روزنامه نگاران شاغل هند" در شهر "کاتاک" برگزار شد، قطعه‌نامه‌ای به تصویب شرکت کنندگان رسید این قطعه‌نامه پس از درج در مطبوعات هندوستان تأثیر قابل توجهی بر افکار عمومی مردم این کشور نهاد.

در پستی از قطعه‌نامه شورای ملی فدراسیون روزنامه نگاران که بزرگترین و قدیمی‌ترین تشکل روزنامه نگاران هندوستان است، چنین می‌خوانیم: "شورای ملی فدراسیون روزنامه نگاران شاغل هند، نگرانی

اعتراض به ادامه جنگ ایران و عراق

در آلمان فدرال

جمع کثیری از احزاب، سازمان‌ها، اتحادیه‌ها و نیز شخصیت‌های صلح دوست آلمان فدرال متجمله حزب کمونیست آلمان-بیلفلد اتحادیه دانشمندان و دانشجویان یونانی-بیلفلد، برنهارد هولنیک - رئیس اتحادیه سندیکاهای آلمان - پادریورن و کوئترمبروک، مسئول جامعه صلح آلمان (اتحاد مخالفان جنگ) - پادریورن، طی فراخوانی ادامه جنگ ایران و عراق را محکوم نموده، درخواست آتش‌بس فوری و نیز قطع صدور اسلحه به این دو کشور، تأکید نموده‌اند.

در روزهای ۱۵ و ۱۶ مارس (۲۴ و ۲۵ اسفند) کمیته صلح سوئد اولین کنگره خود را در استکهلم برگزار نمود. در این کنگره مهمترین مسایل موجود در جنبش صلح سوئد و همچنین جنبش بین‌المللی صلح و علیه جنگ هسته‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. از جمله مسایل مورد بحث کنگره جنگ ایران و عراق بود که قطعنامه‌ای در محکوم نمودن آن به تصویب رسید. متن قطعنامه چنین است: ما شرکت کنندگان در اولین کنگره کمیته صلح سوئد در تاریخ ۱۵ و ۱۶ مارس ۱۹۸۶ در استکهلم از اخبار رسیده از جبهه‌های جنگ میان ایران و عراق بشدت نگران هستیم. روز ۱۲ مارس اسفند ۲۰۰۰ روز از این جنگ خونین سپری شده است. لیکن رژیم‌های ایران و عراق به هیچ وجه قصد پایان دادن به آثرا ندارند. بر طبق گزارش منابع بین‌المللی تنها طی درگیری‌های اخیر دهها هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند. جنگ همچنین امکان گسترش به تمامی منطقه خلیج فارس را دارد و بدین ترتیب خطری برای صلح جهانی نیز محسوب می‌گردد.

بدین سبب ما شرکت کنندگان در این کنگره ادامه این جنگ بی‌معنی را محکوم نموده و از رژیم‌های ایران و عراق می‌خواهیم که به هر گونه عملیات جنگی پایان داده و اختلافات فی مابین را از طریق صلح آمیز حل نمایند. اولین کنگره کمیته صلح سوئد در استکهلم ۱۵ و ۱۶ مارس ۱۹۸۶

تظاهرات ضد جنگ در سوئد

روز نهم اسفند به دعوت "کمیته سوئدی علیه جنگ ایران و عراق"، در اعتراض به موج جدید تصاعد جنگ توسط رژیم خمینی و تداوم این بربریت جنون‌آمیز که تاکنون جان صدها هزار نفر قربانی آن شده است، تظاهراتی در یکی از میدان‌های اصلی شهر استکهلم انجام پذیرفت. در این تظاهرات جمعی از ایرانیان و سوئدی‌ها شرکت داشتند. تظاهر کنندگان با فریاد شعارهایی علیه جنگ و طی قطعنامه‌ای خواهان برقراری فوری صلح بین دو کشور شدند.

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

از میان نامه‌ها

حقوق بگیر دولت

همچنان با لجاجت ادامه می‌داد، آقا کوجه عم نداشته باشد اشکالی ندارد و ساندویچ فروش با این حرفها از کوره در رفت و با عصبانیت شروع کرد که: ندارم. استغفرالله؛ گفتم که ندارم؛ اصلا از فردا باید در دکان رانخته کنم و... حقوق بگیر دولت یک ریز می‌گفت گرسنه‌ام. حقوق بگیر دولت هستم. به من بگویید چکار کنم. حداقل یک نصفه ساندویچی بده. کار دیگر داشت بیخ پیدا می‌کرد.

مرد که نشانه‌های پیروزی در چشم هایش موج می‌زد همه را مجذوب خود کرده بود. طوری به او نگاه می‌کردند که انتظار ادامه جریان هستند. پاک آبروی دولت را برده بود. و او ادامه داد آقا عیبی ندارد فقط نان خالی بده؛ حتی خرده نان؛ چیزی برای خوردن. ساندویچ فروش طاققت نیاورد و تکه نانی بدستش داد و گفت تو که آبروی دولت را بردی نان را گرفت و رفت پیش یکی از مشتری‌ها و گفت کارمند دولت هستم به دونه کوجه به من بده، بگذار شون خالی نخورم. و آن مشتری با خنده جوبایش را داد. خودم می‌خواهم بخورم حالا همه فهمیده بودند که از آغاز هدف مرد به نمایش گذاشتن وضعیت اسفبار کارمندان دولت بوده است. مشتریان با خنده و تحسین تاییدش می‌کردند. ساندویچ فروش که موضوع را فهمیده بود گفت حالا که این طور شد بیا ساندویچ درسته برایت بپیچم. مرد می‌گفت کارمند راه و ترابری هستم، در ماه چهار هزار تومان حقوق...»

"گرسنه بودم به اولین ساندویچ فروشی سر رام پناه پردم. از میان غذاهای جورواجور درون ویترین ارزانتیشن را سفارش داده منتظر شدم که آماده شود. صدای مردی از سمت در توجه همه را به خود جلب کرد. مردی بود میانسال با قامتی متوسط. در حالی که به چارچوب در مغازه تکیه داده بود با لحنی عاجزانه به ساندویچ فروش گفت آقا حقوق بگیر دولت هستم، گرسنه‌ام، خیلی پول ندارم اگر ممکن است ساندویچی به من بدهید. یاور کنید از گرسنگی نمی‌توانم سر پا بایستم. حقوق بگیر دولت هستم اما شرمندهم. مشتریان هاج و واج مانده بودند. حقوق بگیر دولت و گدايي؟! صاحب مغازه از تعجب دهانش باز مانده بود و نمی‌دانست چه جواب بدهد. بعد از کمی سکوت با لحن مودبانه‌ای گفت خیلی متاسفم. بروید جای دیگر ولی مرد کارمند دولت باز اصرار کرد. آقا بدون خیار شور هم عیبی نداره. دارم از گرسنگی می‌میرم و مشتریان با تعجب به مرد نگاه می‌کردند. ساندویچ فروش دنبال حرفش را گرفت، آقا جان من چکار کنم که تو گرسنه هستی. من که مسئول سیر کردن شکم شما نیستم. من خودم باید شکم چندتا بچه قد و نیم قد را که چشمشان به دست من است سیر کنم. از خجالت کسی به دیگری نگاه نمی‌کرد. گدای حقوق بگیر دولت ظاهر خیلی محترمانه‌ای داشت و اصلا به گداسیبه نبود و این بیشتر مشتریان را متعجب می‌کرد. ولی او دست بردار نبود.

باید نصف حقوقتان را به جیبه بدهید

انجام بدهم. راستی زمانی با آقای پرورش وزیر آموزش و پرورش سابق سر یک سفره آبگوشت خوردم و زمانی با آقای اکرمی وزیر جدید توی یک اتاق خوابیدم. "چیژی که در سفرانی مدیر کل جدید به گوش نمی‌خورد مشکلات و مسایل کارکنان بود. در آخر برای خالی نبودن عریضه سفرانی خود را چنین ادامه داد: "برادران! من از گوشه و کنار شنیده‌ام که بعضی‌ها می‌گویند حقوقمان کم است، باید به آن عده از دوستان بگویم که حقوق ماه قبل شهر گردکان را از دارائی اصفهان قرض کردیم و خیلی خوش شانس بودید که بعد از ۵ روز تاخیر دریافت داشتید. ما هنوز به کارکنان شهر کرد حقوق پرداخت نکرده‌ایم. تازه باید بخدارا شکر کنید که همین مستری را به شما می‌دهیم والا ما در حال جنگ هستیم و شما باید نصف حقوقتان را به جیبه‌ها بدهید. من کسی را می‌شناسم که تمام حقوق خودش را به حساب جیبه واریز می‌کند."

البته بعدا متوجه شدیم که ایشان هر کجا سفرانی داشتند همین حرفها را آنجا هم گفته‌اند که "به کارکنان فلان منطقه حقوق نداده‌ایم ولی حقوق شما را زودتر پرداخت می‌کنیم."

بعد از یک ساعت که نوبت به نماز ظهر رسید کارکنان آموزش و پرورش حاضر در مسجد یکی یکی از مسجد بیرون آمدند و آقای مدیر کل جدید را با تعداد انگشت شمار ظرفداران خود تنها گذاشتند. و بدین ترتیب این سفرانی که برای رسیدگی به مسایل و مشکلات کارکنان ترتیب داده شده بود پایان یافت بدون اینکه مشکلی حل شده و خواسته‌ای برآورده شده باشد.

"وقتی که خبر تعویض مدیر کل آموزش و پرورش استان چهارمحال بختیاری به گوش کارکنان، مربیان و آموزگاران شهرستان (گردکان) رسید، این خبر را به فال نیک گرفته و خوشحال شدیم. خوشحالی ما بیشتر از این بابت بود که فکر می‌کردیم با آمدن مدیر کل جدید مشکلاتمان و از آن جمله مسئله رسمی شدن آموزگاران حل خواهد شد. آموزگاران غیر رسمی برای رسمی شدن بایستی مراحل مختلف ۵ ساله‌ای را بگذرانند: ۱ سال حق التدریسی، ۲ سال پیمانی و ۲ سال آزمایشی. در این مدت ماهانه از ۲۷۰۰ تومان الی ۲۰۰۰ تومان مزد دریافت می‌کنند، که با توجه به گرانی کفاف خرج یک نفر را نیز نمی‌دهد. بعد از این مدت نوبت به تحقیق می‌رسد. اگر کارمندی از تحقیق قبول نشود بجای حکم رسمی، حکم اخراج خود را دریافت می‌کند. این گونه کارمندان دیگر حق کار در هیچ اداره دولتی را نخواهند داشت.

مدیر کل جدید استان، جدیدی نام دارد و اوایل دی ماه ۶۴ برای سفرانی به شهر گردکان آمد. محل سفرانی مسجد اعظم شهر بود. کارکنان آموزش و پرورش شهرستان برای مطرح کردن خواسته‌ها و مشکلات خود در محل سفرانی حاضر شدند. آقای مدیر کل سفرانی خود را با ذکر یک آیه و تفسیر نیم ساعت آن آغاز کرد و در شرايطی که حاضر با مدیر دیگر مشغول صحبت بوده و از خواسته‌هایشان حرف می‌زدند آقای مدیر کل از زندگی خصوصی خود سخن می‌گفت: "زنم در اصفهان زندگی می‌کند. ۲ دختر دارم و خودم باید در شهر کرد باشم. شما ببینید زندگی این چنانی چقدر مشکل است، تازه کارهای مردم و کارکنان اداره را نیز باید

همه‌شان به خون ما تشنه‌اند

نمی‌توانست بنشیند. انتظار داشت که مردم جواب سرباز را بدهند ولی برخلاف انتظار "آقا" مسافری سکوت کرده همه چشم به دهن جوان دوخته بودند. یکی از مسافری که متوجه برآشفتنی آخوند شده بود رو کرد به او گفت: شما به دل نکیر، بگذار حرفش را بزنند. دیگری بفهمی، نفهمی آخوند را چسبیده بود. جوان گاهی حرف‌هایی می‌زد که مردم از شدت خنده روده‌بر می‌شدند. در اولین ایستگاه آخوند عیایش را جمع کرد و سریع از اتوبوس پایین پرید. بحث گرم‌تر شد. جوان در ایستگاه بعدی پیاده شد.

"داخل اتوبوس شرکت واحد نشسته بودم. اتوبوس ملوا از جمعیت بود جوانی بلند بلند و بی‌پروا حرف می‌زد. از سخنانش پیدا بود که سرباز است و از جیبه می‌آید. با صدای بلند می‌گفت آخوندها همه‌شان دروغ‌گو هستند. همه‌شان به خون ما تشنه‌اند. من از جیبه می‌آیم ما را به خاک بیگانه می‌فرستند. ما که نمی‌خواهیم جایی را تصاحب کنیم. جنگ را این‌ها تمام نمی‌کنند. همه‌شان دروغ می‌گویند. آخوندی که در صندلی بغل دستی‌ام نشسته بود از حرف‌های این سرباز سخت برآشفته شده بود. سرجایش

مخالفت با جنگ ایران و عراق در ژانین

اسفند خود را به آخرین تحولات جنگ اختصاص داده، تحت عنوان "جنگ ایران-عراق" نوشت؛ "مردم ژانین نمی‌توانند بفهمند چرا ایران و عراق جنگ پیبوده‌شان را ادامه می‌دهند. می‌توان این جنگ طولانی را بی‌فایده و احسانانه نامید چرا که بسیاری برای هیچ کشته شده‌اند."

این روزنامه سپس ضمن درج آخرین رویدادهای جنگ، اثرات تهاجم اخیر ایران را مورد بررسی قرار داده آثار موجب تشنج بیشتر در منطقه دانست. "ماینینی" در پایان بر ضرورت برقراری صلح میان دو کشور تاکید کرده است.

با شروع عملیات والفجر ۸، به دعوت انستیتو علمی آسیا-آفریقا، در روز ۲۲ فوریه (۲ اسفند) نشستی جهت بررسی اثرات جنگ فاجعه‌آمیز ایران و عراق برگزار گردید. در این نشست یکی از استادان برجسته دانشگاه "ای ای موری" به سفرانی پیرامون وضعیت جاری جنگ پرداخت و ادامه آن را علیه منافع خلق‌های ایران و عراق دانست.

شرکت کنندگان در این نشست ضمن ابراز همدردی با مردم دو کشور، مخالفت عمیق خود را علیه سیاست ادامه جنگ ابراز نمودند. همچنین روزنامه انگلیسی زبان "ماینینی" چاپ ژانین، سرمقاله چهارم

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

گونه‌هایی از فعالیتهای تبلیغی فدائیان خلق در داخل کشور

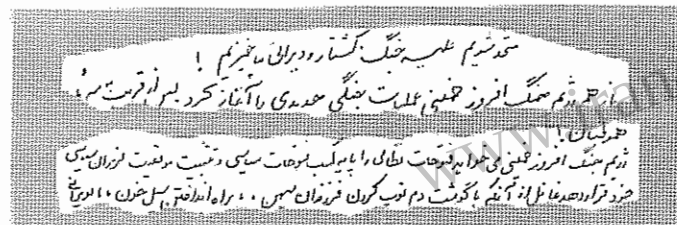


شود ولی این مساله صورت نگرفت چون این دبیرستان از ۲ ساختمان جداگانه تشکیل شده است. در ساختمان دیگر کلیه شکلاتها به نام اینکه شکلاتهای انجمن اسلامی است توزیع شد. این مساله مثل مینا در مدرسه ترکیه همه جا از ابتکار فدائیه‌ها و شکلات آنها صحبت می‌کردند. نزدیک ظهر ماشین کمیته آمد و از مدرسه بازرسی شدیدی بعمل آورد.

یک واحد از فدائیان خلق در اصفهان چنین گزارش کرده است:

"۱۵۰۰ اعلامیه در ارتباط با قانون کار در بعد از ظهر روز ۶۴/۱۰/۱۶ در مناطق بزرگمهر، نشاط و همچنین ملک توزیع شد. قبل از آن در روز ۶۴/۱۰/۱۱ ۲۸۰ اعلامیه در مورد قانون کار توزیع نمودیم. همچنین در ۲۶ دی ۲۰ مورد شعارهای سازمان بر روی کیوسکهای تلفن و دیوارهای سنگی و ۵۰۰ تراکت مرگ بر خمینی در مرکز شهر، ایستگاههای واحد و خیابان اردیبهشت و شاپور پخش شد.

در روز ۱۵ دی نیز در مورد یک واقعه درون دانشگاه تعداد ۱۰۱ اعلامیه و ۱۰۰ تراکت پخش شد."



* در نامه ای از شاهین شهر (۲۰ کیلومتری اصفهان) نوشته شده است: "روز جمعه یعنی ۶۴/۱۲/۱۶ شاهین شهر تعداد زیادی اعلامیه های سازمان علیه جنگ و بخصوص حملات اخیر ایران پخش شد. همچنین با وسعت زیادی شعارهای "مرگ بر خمینی جنگ افروز، زنده باد آزادی" بر دیوارها نوشته شد. از ساعت ۶ صبح بسیجیه‌ها مشغول پاک کردن شعارها شدند. روز شنبه بخصوص شاهین شهر جو پلیسی بخود گرفته بود و گشتهای سپاه در تمام خیابانها زیاد شده بودند مردم می‌گفتند که دیشب فدائیه‌ها اعلامیه پخش کرده‌اند. البته ما در این کار هیچگونه دخالتی نداشتیم."

* در یک نامه خانوادگی آمده است: "بر درو دیوار شهر خرم آباد شعارهایی علیه جنگ و برای برقراری صلح و آزادی زندانیان سیاسی و علیه خمینی جنگ افروز با امضا فدائیان خلق (اکثريت) نوشته می‌شود که مامورین مداوما با رنگ آنها را پاک می‌کنند."

می‌خواهیم کیفها را بگردیم. در حالی که مشغول کشتن کیفها و کلاسورها بودند باز هم اعلامیه از پشت شیشه و از طبقه بالا به پائین می‌ریخت که موجب خنده همه شده بود."

اعلامیه زیر توسط گروهی از هواداران سازمان در غرب تهران انتشار یافت:

* در گزارش تبلیغی واحدی از فدائیان خلق در تهران از جمله آمده است: "در آستانه ۲۲ بهمن از طرف... اقدامات زیر صورت پذیرفت: پخش تراکت و فراخوان بمناسبت ۱۹ بهمن ۱۰۱۹۲ عددنوشتن شعار بر روی اسکناس ۹۹ مورد، شعارنویسی ۵ مورد، ۱۰۷۲ موردپست اعلامیه. همچنین در دانشگاه ملی، دانشکده دندانپزشکی، خیابانهای دانشگاه، پارکینگ‌ها، پله‌ها، سالنهای داخل چند دانشکده و همین طور در مسیر دانشگاه تا پارک وی و در دبیرستان ۲۲ بهمن پخش اعلامیه صورت گرفت. از بالای ساختمان پرتابکن نیز اعلامیه پخش شد."

یک گروه از فدائیان جوان از تهران می‌نویسد:

"در دبیرستان دخترانه اکباتان قرار بود در ۲۱ بهمن شکلاتی را که انجمن پخش می‌کند، با شکلاتهایی که ما در آن شعار و تراکت سازمان در مورد ۱۹ بهمن را گذاشته بودیم عوض

مورد شعار نویسی بزرگ با رنگ و اسپری روی دیوار، بر چسب تبلیغی روی دیوار و کیوسک تلفن ۲۰۰ عدد، شعارنویسی روی دیوار ۲۵۰ مورد و ..."

* در بخشی از یک گزارش تبلیغی می‌خوانیم: "در روز ۲۳ اسفند دو مورد پخش اعلامیه توسط اتوبوس شرکت واحد صورت گرفت در سقف اتوبوس در حال حرکت اعلامیه‌های سازمان پخش می‌شد و اتوبوس پیش می‌رفت. عابرین کنار خیابان اعلامیه‌ها را بر می‌داشتند."

در بخشی از یک نامه آمده است: "در روز ۱۶ آذر در دانشگاه آزاد اعلامیه سازمان پخش شد. پس از مدتی پاسداران آمدند و گفتند

* اعلامیه زیر در کارخانه مزدادر ارتباط با عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل منتشر شد

مشعل رزم حماسی فدائیان خلق، تابان و پرفروغ بر توانشان است و هر دم فروزش بیشتری می‌یابد. فعالیتهای گسترده سازمانگر و افشاگرانه فدائیان خلق در هم شکستن پایه‌های لرزان حکومت خمینی را هدف قرار داده است. بر اساس بریده‌هایی از گزارش های تبلیغی پرتوی از این رزم پرشکوه را بازتاب می‌دهیم.

در گزارشی از تهران آمده است: "در کارخانه داروپخش چند دقیقه قبل از پایان کار در رختکن کارگران داخل لباس عده‌ای از زنان اعلامیه گذاشته شد. ولی انجمن اسلامی متوجه موضوع گردید و اعلامیه‌های رختکن را جمع نمود اما متوجه لباس کارگران نشد. وقتی کارگران لباس می‌پوشیدند متوجه شدند که در توی لباس اعلامیه هست. اکثر آنها اعلامیه را در جیب گذاشته و با خودشان بردند. تنها یکی از آنها اعلامیه را در آورده بود و با داد و فریاد می‌گفت، انجمن اسلامی کجاست. چرا اجازه می‌دهند که این فدائیه‌ها اعلامیه پخش کنند. اگر مرا در خیابان می‌گرفتند چه جوابی می‌دادم. شلوغ کردن این کارگر نیز عده‌ای را در جریان قرار داد. روز بعد تمامی کارخانه از پخش تراکت و اعلامیه توسط فدائیان صحبت می‌کردند."

* یک گروه از سازمان جوانان فدایی در گزارش خود نوشته است: "در بزرگداشت ۱۹ بهمن ۴۲۵۰۰ اعلامیه و تراکت توزیع کردیم که آمار قسمت... بقرار زیر است. ۱۶۰۰۰ اعلامیه و تراکت ۲۰

اتحاد و همبستگی ضامن پیروزی است

کارگران مبارز کارخانه مزد!

همان‌طور که اطلاع دارید به پیروی از سیاست ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی، مدیریت کارخانه مزداد مدتی نزدیک به ۳ ماه است که طرح طبقه‌بندی مشاغل را در دست اجرا دارد و در این مدت طولانی تمامی خواسته‌های شما را مسکوت گذاشته و وعده سرخ‌رمن می‌دهد و هر گونه خواسته صنفی، حقوقی و غیره که مطرح می‌شود چماق طرح طبقه‌بندی مشاغل را بر آن می‌کوبد. و بعد از این مدت هنوز هم از امضای آن سرباز می‌زند. یقیناً اگر شما تا سه سال دیگر هم اعتراض نکنید همین کار را خواهند کرد. پس بایکپارچگی برای اجرای فوری طرح اقدام کنید. همان‌طور که در سال ۶۲ با کم‌کاری و کاهش تولید در گرفتن حق تولید موفق شدید که می‌تواند تجربه بزرگی برای شما باشد، با تکرار آن اجرای فوری طرح را عملی سازید. با امید پیروزی شما و تمام کارگران ایران.

از طرف کارگران پیشرو صنایع اتومبیل‌سازی پیش به سوی تشکیل سندیکاهای کارگری

بقیه از صفحه اول

یازده سال از شهادت جزنی و یاران او گذشت

کنار یکدیگر قرار داشتند به روشنی نشان می داد که رژیم شاه به یک انتقام جویی حیوانی از انقلابیون پرداخته است.

خبر همه را اندوهگین ساخت. در زندان و خارج از زندان. بودن رفیق جزنی در میان این عده تاجر ناشی از خیر را بسیار عمیقتر می ساخت. جزنی فراتر از یک فرد معین بود. اوسیل اندیشه و پایداری نسلی از انقلابیون بود که خروشان رو به سوی آینده می تاختند.

جزنی آغازگر راه فدائیان بود و تکامل این راه، در درجه اول مدیون اندیشه و خرد و تلاش اوست. رفیق جزنی در سال ۴۲ گروهی تشکیل داد که بعدها به نام خود اوشهرت یافت. این گروه مارکسیست - لنینیست پیشاهنگ مرحله تازه ای از مبارزه انقلابیون کمونیست گشت و تأثیری از خود به جا گذاشت که در دوره خودی نظیر است. بعد از دستگیری رفیق جزنی و جمعی از همزمان او در سال ۴۶ مبارزه گروه در دو عرصه داخل و خارج از زندان ادامه یافت. در خارج از زندان رفقای دستگیر نشده در کنار همزمان دیگر حماسه سیاهل را آفریدند و با این حماسه موجودیت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را اعلام کردند. در داخل زندان رفقا هر یک نمادی از

مقاومت و پایداری بودند. پایداری آنان در همه جا، در این سو آن سوی میله های زندان به منبع الهام انقلابیون بدل گشت. رفقا خود داخل زندان را دگرگون ساختند و هنجارهای نوینی ارائه دادند.

رفیق جزنی کار فکری خود را در داخل زندان نیز قطع نداشت. او تا آخرین روزهای حیات خود پیوند



فکری مستمری با سازمان داشت. تجربیات را جمع بندی می کرد، به انتقاد می نشست، رهنمود می داد و راه می گشود. او در برخورد با اشتباهات و انحرافات پیشنهاد خود را "نقش استراتژیک" فدائیان را می شناخت و خردمندانه و نقادانه در جهت ارتقای مواضع ایدئولوژیک سازمان می کوشید.

یکی از مشخصه های رفیق جزنی در عرصه آگاهی و اندیشه، بهره مندی چشمگیر او از جزئیات تجربیات و سیر رویدادها در متن مبارزات سیاسی تاریخ معاصر ایران برپژه تاریخیه جنبش چپ است. رفیق آنگونه از لحظه های این جنبش و رویدادهای برجسته آن سخن می گوید که همه چیز را برای مخاطب خود به صورت ملموس و زنده در می آورد. رفیق جزنی با تأکید ویژه ای که بر روی جمع بندی تجربیات جنبش داشت ماحصل تلاش خود به صورت تاریخ "سی ساله" ارائه نمود.

کشتن چنین انقلابی فرزانه ای به راستی یکی از پلیدترین اعمال رژیم سرتکون شده پهلوی است. این رژیم می پنداشت با کشتن جزنی و جمعی دیگر از همزمان او مقاومت در زندانها سستی می گیرد و جنبش انقلابی از نفس می افتد. چنین نشد. جزنی را کشتند و صدها فدایی و مجاهد و مبارز دیگر را. جنبش راه خود را گشود و در واقع یکی از جلوه های جنبش، پایداری تا سرحد مرگ همین دلاوران بود.

زمین بازهم می چرخد و تاریخ بازهم به یک اعتبار تکرار خواهد شد. تپه های اوین هنوز چه بسیار سحرگامان که شاهد کشتار انقلابیون بدست جلادان جمهوری اسلامی می باشند. اما دیر نیست که حماسه فتح دخمه ها و زندانها نیز تکرار گردد.

☆ ☆ ☆ امروز که آنها را کشتند ☆ ☆ ☆

ساعت پنج ونیم بعد از ظهر بود که روزنامه ها را به داخل بند فرستادند ناکهان سکوت بندهای دوو سه زندان قصر، بند زندانیان سیاسی "زیر دادگاه" را فرا گرفت. پس از هجوم اولیه به روزنامه و خواندن آگهی ساوک، به تدریج سکوت سنگین و سنگین تر می شد. همه بهت زده همدیگر را نگاه می کردند هیچ کس یارای سخن گفتن نداشت. سکوت سنگین زندانیان بند پنج نیز از ورای دیوار بلند زندان احساس می شد. ناکهان فریاد رعد آسای یک زندانی از حیاط بند پنج به گوش رسید، "بی شرف ها، آدم کش ها، قاتل ها!"

صحبت ها و تصمیم گیری های مخفیانه ... باید اعتراض کرد. باید افشا ساخت. باید ... فردا روز ملاقات است باید به خانواده ها واقعیت را گفت باید آن ها را به حرکت واداشت. میوه نگیریم، باید

سکوت جمعی کرد. هفته بعد اعتصاب ملاقات کنیم ... فردای آن روز، روز ملاقات بود. زندانیان پیرو و هوادار سازمان و بسیاری دیگر با لباس سیاه به ملاقات بستگان خود رفتند. به دلیل کمبود، لباس های سیاه تن به تن می گشت.

راس ساعت ده صبح، طبق قرار قبلی بدون آنکه کسی اعلام کند در حیاط بند تجمع و به احترام زندانیان شهید یک دقیقه سکوت برقرار شد. برای نمایش خشم و اعتراض خویش، انقلابیون زندانی در حیاط زندان به حالت نشسته تجمع کردند. مبارزین زندانی در بندهای یک، هفت و هشت از طریق حیاط بندهای دو و سه به حمام برده می شدند. تجمع نشسته به هنگام عبور این مبارزین شکوه ویژه ای می یافت.

سرمهنگ زمانی رئیس جلاد

زندان از خشم به خود می پیچید. وی انتظار چنین حرکات و روحیه ای را به ویژه از زندانیان در انتظار محاکمه نداشت. عملیات سرکوب آغاز گشت. بلندگوی بند با فاصله های طولانی اسامی افراد مورد احترام و به زعم زمانی موثر زندان را می خواند. پس از رفتن آنان شکنجه حیوانی آنان در بیرون زندان، پشت پنجره اطاقها آغاز می شد. رئیس زندان شاه می خواست با تلطیف فریادهای غریزی ناشی از شکنجه در دلها هراس افکند. میکروفون "زیر هشت" ساعت ها بازو به فراخواندن زندانیان برای شکنجه مشغول بود.

قریب چهل نفر به بندهای دیت فرستاده شدند و گروهی به انفرادی، اما رئیس زندان شاه در رسیدن به هدف خویش، در ایجاد تزلزل در روحیه پیکارجویی تماما ناکام ماند. یاد بیژن و پایداری او صد چندان بر پیکارجویی زندانیان می افزود.

از جنایات رژیم خمینی

دردل شب

پاسی از شب گذشته بود. صدای بولدور خواب از چشمانم ربود. باز هم مانند چند شب پیش غرش خفه بولدور در دل شب تلطیف افکنده بود. این بار کنجکاو شدم. برخاستم و به روی پشت بام رفتم. می خواستم ببینم در این وقت شب بولدور به چه کاری مشغول است.

دو چراغ جلوی بولدور قسمتی از محوطه پشت قبرستان آرامنه در کیلومتر ۲۰ جاده خراسان را روشن کرده بود. بولدور زمین را می کند. به این کار خیره شده بودم که ناگهان بولدور ایستاد، انگار دیگر قدرت حفر زمین را نداشت. در پی آن متوجه شدم آمبولانس در محل حفر شده توقف کرده است. شب با همه سیاهی اش جلوه گر شد. دو نفر که گویی هراسان بودند از آمبولانس پیاده شدند، به حرکت شتاب آلود آنها که زیر نور بولدور بیشتر به اشباح می ماندند، چشم دوختم. آنها درهای عقب آمبولانس را باز کردند و به کمک هم چیزی مانند یک گونی، یک گونی که طرح کلی بدن یک انسان را بخود گرفته بود، از آمبولانس بیرون کشیدند. بوی مرگ منقلبم کرد رعشه سردی تمام وجودم را تسخیر کرد.

آنها گونی را به داخل کودال پرت کردند و باز گونی دیگری از آمبولانس بیرون کشیدند. سه، چهار... سرم داغ شده بود، پاهایم یشت می لرزیدند. یک لحظه فکر کردم در آن پیکرهای خونین که در شبی چنان اندوهناک و هولناک به خواب رفته اند چه آرزوهای پاک و بزرگی شهنور بود. به مادرانشان، به همسرانشان، به فرزندان و به عزیزانشان اندیشیدم ... نمی دانم چند جسد به درون آن گور انداختند که دوباره زوزه خفه بولدور در دل شب پیچید. بولدور عقب و جلو می رفت و در گور خاک می ریخت. سرانجام کار پایان یافت. کار پر کردن یک گور دسته جمعی. جلادان سوار بر آمبولانس آنجا را ترک کردند و گورکن سنگین و آرام چو نان دژخیمی که از جنایت خویش فرسوده باشد، سنگین و آرام در حاشیه دیوار قبرستان آرامنه به راه افتاد و خود را به جاده اصلی رساند و من ماندم با گور بزرگی از مبارزان بی نام و ستارگانی در دوردست آسمان.

بخش تلخی کلیم را می سوزاند. مشت هایم فشرده و فشرده تر می شد.

به پیشواز اول ماه مه

نبردهای طبقاتی در مراکز جهان سرمایه داری

استراتژی های مستقل، آلترناتیو و مبتنی بر منافع زحمتکشان و مبارزه برای تحقق آنها در جریان برخوردهای طبقاتی را آغاز کرده است.

پس از سالها رشد منفی جنبش اعتصابی در شماری از کشورهای سرمایه داری، به ویژه طی بحران ادواری ۸۲ - ۱۹۸۰، در سال ۱۹۸۴ مبارزات کارگری افزایش چشمگیری یافت. بعنوان نمونه در آلمان فدرال، اعتصابات صنایع فلزی و چاپ برای برقراری هفته کار ۳۵ ساعته بدون کاهش دستمزد به منظور مبارزه با بیکاری جمعی، از طولانی ترین و سخت ترین اعتصابات تاریخ این کشور بود. نمونه درخشانی از پایداری و روحیه رزمی طبقه کارگر، اعتصاب کارگران معادن بریتانیا بود که در سال ۱۹۸۴ آغاز شد، یک سال به طول انجامید و کاملاً رنگ سیاسی داشت. بسیاری از کشورهای دیگر، مانند فرانسه، ایتالیا، بلژیک و دانمارک نیز شاهد اعتصابات و اقدامات توده ای گسترده بودند.

پس از سرخوردگی نسبتاً وسیع و کاهش آمادگی مبارزاتی بر اثر عواقب اجتماعی بحران و فشار سیاسی - ایدئولوژیک سرمایه داری، اینک به وضوح آمادگی رزمی چشمگیری در بخشهای مرکزی طبقه کارگر دیده می شود. بسیاری از مبارزات، با اثبارگری و همبستگی گسترده ای همراه است. این همه، نشان بر آن است که دوره ای که کارگران عواقب بحران را به سادگی پذیرفته و به فشارهای مادی و سیاسی انحصارات و دولتها، محافظه کار تن می دادند، به سر رسیده است.

تجارب مبارزات اعتصابی در آلمان فدرال و بریتانیا حاکی از آن است که یکی از عوامل اساسی بسیج زحمتکشان، در آمادگی آنها برای دفاع از سندیکاها و امکانات عملی و مبارزاتی آنها در برابر یورش سرمایه داری است. شعار "سخن بر سر بود و نبود سندیکاها است" از سوی اعضای سندیکاها مورد پشتیبانی قرار گرفته است. مثلاً در آلمان فدرال در جریان اعتصابات بر شمار اعضای سندیکاها افزوده شد. البته برخی از اعضای سندیکاها نیز از عضویت آنها بیرون آمدند. اما به گفته هربرت میس، رهبر حزب کمونیست آلمان، "در تحلیل نهایی سندیکاها به همان نسبتی که سیاستی مبارزه جویانه برای دفاع از منافع کارگران را دنبال کنند، به همان نسبت برای طبقه کارگر جذاب، نیرومند و پانفوذ هستند."

بقیه در صفحه ۱۴

اجتماعی - اقتصادی خود می شناید. در جهان سرمایه، نبرد طبقاتی شدت می گیرد.

در شماره های اخیر اکثریت، به مناسبت های گوناگون، و از جمله برگزاری کنفرانس های احزاب برادر کشورهای سوسیالیستی، به تلاش و مبارزه طبقه کارگر پیروزمند این کشورها پرداخته ایم. خواهیم کوشید در فرصتی که تا اول ماه مه باقی است، به چرایی از نبرد طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری بپردازیم. در این شماره، فشرده ای از مقاله ای به قلم دکتر آن ماری کلم از آلمان دموکراتیک که در شماره ۷ سال ۱۹۸۵ مجله صلح و سوسیالیسم درج شده است و به چاپ می رسانیم.

سدمین سالگرد سرکوب خونین کارگران شیکاگو در پیش است. کارگران جهان، امسال جشن بزرگ خود را با شکوه تر از هر سال برگزار خواهند کرد. صد سال، در مخیاس تاریخ بشر، دوره بسیار کوتاهی است. اما وقتی چهره جهان ۱۹۸۶ را با جهان ۱۸۸۶ مقایسه می کنیم، در می یابیم که طبقه کارگر، این سازنده جامعه نوین، چه نیروی شگرفی دار است. ظرف این صد سال، به حاکمیت سرمایه داری که در ۱۸۸۶ سلطه اش بیلامنازع بود، در نزدیک به نیمی از جهان برای همیشه پایان داده شده است. سیستم جهانی سوسیالیستی بمقابله بزرگترین دستاورد پرولتاریا، سکوفاتر از همیشه، به استقبال افقهای نوین، به استقبال شتاب یخشیدن به رشد

مانده است. از مهمترین عواملی که در حال حاضر بیکاری جمعی را تشدید می کند، نحوه بهره افزایی سرمایه داری است که با آزاد سازی گسترده نیروی کار همراه است. به این عامل باید استفاده فزاینده سرمایه داری از علم و فن را افزود.

انحصارات با استفاده از ادامه وضعیت بحرانی اشتغال، بر درجه استثمار افزوده و فشار روی زحمتکشان که هنوز شاغلند را بالا می برند. در بسیاری از کشورهای سرمایه داری دستمزدهای واقعی کاهش می یابد. ترس از دست دادن کار، از سوی سرمایه بعنوان اهرم موثر فشار مورد استفاده قرار می گیرد تا از زحمتکشان امتیاز گرفته شود. از طریق حملات وسیع به سیستم های تامین اجتماعی، کاهش هزینه های درمانی، بیمه های پانزشتگی، بودجه آموزش، مسکن، استراحت، و فرهنگ و حفظ محیط زیست، برای درمان نظام منززل شده بودجه دولتی به ضرر زحمتکشان کوش می شود. در بسیاری از ثروتمندترین کشورهای سرمایه داری، "فقر جدید" به وجود آمده که به ویژه گریبان بیکاران، سالخوردگان، جوانان، خانواده های پر فرزند، کارگران خارجی و اقلیت های قومی دیگر را گرفته است.

در عین حال، زحمتکشان تقریباً در همه کشورهای صنعتی سرمایه داری سیاست سرکوب سیاسی از سوی سرمایه انحصاری و دولت امپریالیستی زیر پرچم محافظه کاری روبرو هستند. هدف این سیاست، محدود کردن حقوق دموکراتیک و به ویژه تضعیف توان رزمی سندیکاهاست. سندیکاها در موقعیت فوق العاده پیچیده ای به سر می برند.

تشدید رویارویی طبقاتی میان کار و سرمایه، از یک سو در اعتصابات با اشکال و ابعاد گوناگون، تظاهرات متعدد و دیگر اقدامات توده ای زحمتکشان و از سوی دیگر به صورت حملات گسترده سرمایه انحصاری و دولت امپریالیستی به مواضع طبقه کارگر و دیگر نیروهای دموکراتیک که طی مبارزات خود پدید آورده اند، و نیز در سیاست تحریم هر گونه خواست اجتماعی و دموکراتیک زحمتکشان بازتاب می یابد.

شرایط پیچیده نبرد

این تشدید رویارویی طبقاتی، در موقعیت بسیار پیچیده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ای صورت گرفته است. بحران اقتصادی ادواری، که نظام سرمایه داری در اوایل دهه ۸۰ بدان دچار شده بود، پایان یافته است. اما در عین حال آشکار است که رونق اقتصاد بسیار ناموزون انجام می گیرد و وضعیت اقتصادی از این به آن کشور و یا از این به آن رشته صنعتی، بسیار متفاوت است. روندهای عمیق بحرانی، نظیر بحرانیهای ساختاری شاخه های کاملی از اقتصاد، ادامه دارد. حجم سرمایه گذار بیاهمچنان اندک است.

مخارج هنگفت تسلیحات، رشد بحرانی سرمایه داری را تشدید می کند. پار اصلی مسایقه تسلیحاتی بر دوش زحمتکشان است.

از ویژگیهای مهم روند اقتصادی کنونی سرمایه داری این است که به ویژه در اروپای غربی، علیرغم رونق معین اقتصادی، بیکاری جمعی همچنان در سطح بالایی باقی

مقاومت افزایش می یابد

علیرغم افزایش دشواریها، علیرغم بدتر شدن شرایط مبارزه و زندگی، طبقه کارگر در برابر سیاست سرمایه داری انحصاری، مقاومت فزاینده ای به اشکال مختلف نشان می دهد. مبارزه برای تجدید ست گیری سیاسی - استراتژیک سندیکاها در جریان است. جنبش کارگری تدوین

که چگونه یک سرباز مقتول را نیش قبر کرده، در میان همه شادمانی همه عوامفریبان، استعمارگران و ستمگران، یا اسکورت رسمی، بار دیگر به میدان جنگ می‌فرستند. حال که تدارک یک جنگ جدید جهانی را می‌بینند و مصممند در ارتکاب جنایات هر جنگ قبلی هم پیشی بگیرند، افرادی مثل من را، از آن روکه امدافشان را بر ملا می‌سازیم، یا می‌کشند و یا از کشور می‌رانند.

شعر "حماسه سرباز شهید" را برشت در ۲۰ سالگی سروده است. این شعر که به قوی ترین شکل تبلیغات تهنوع آور جنگ افروزان را به سرخه می‌گیرد برای ما که اکنون در میهن مان بوی عفن این نوع تبلیغات را زیر عنوان "پسیج عمومی" در همه جا پراکنده اند، مفهوم و ملاحظت خاصی دارد. ترجمه این شعر را با هم می‌خوانیم.

برتولت برشت، شاعر و نمایشنامه نویس کمونیست آلمانی، از چیره دست ترین سخنورانی است که عرفیت جنگ، و به ویژه جنگ امپریالیستی را به زیر شلاق و ازگان، و سطور و ابیات آتشین خود گرفته اند. برشت پس از روی کار آمدن فاشیسم هیتلری در آلمان، ناچار به ترک میهن خود شد. وی بعدها در این مورد نوشت:

"هنگامی که مرا به تبعید راندند، در روزنامه‌های نقاش (۱) نوشتند علت آن است که من در یک شعر، سربازان جنگ جهانی (۲) را به سرخه گرفته ام. در واقع نیز من یک سال قبل از به پایان رسیدن آن جنگ، هنگامی که رژیم وقت، برای به تعویق افکندن شکست خود، تیر خورده‌های افلیج را نیز در کنار سالخورده‌گان و هفده ساله‌ها به کام آتش می‌فرستاد، در یک قطعه شعر توصیف نمودم

حماسه سرباز شهید

برتولت برشت

آنگاه که جنگ در بهار چهارم بود،
دورنمای صلح هم پیدا نبود،
سرباز تصمیم خود را گرفت
و به مرگ قهرمانان پیرد.

اما جنگ ادامه داشت،
و قیصر را، چون سربازش مرده بود،
غم گرفت.
آخر هنوز موقعش نبود!

تایستان از فراز کورها گذشت
و سرباز در خواب بود.
شیبی از شبها،
یک کمیسیون پزشکی نظامی سر رسید.

کمیسیون به گورستان رفت،
فتوا را دادند،
و بایبل، سرباز شهید را نیش قبر کردند

پزشک، سرباز را
سویا آنچه را هنوز از سرباز مانده بود-
به دقت دید و گفت: "مشمول است،
تمارض او از ترس است."

پس سرباز را پا خود بردند.
شب، آبی رنگ و زیبا بود.
اگر کلاه خود نداشتی،
ستارگان وطن را می‌دید.

نوشایه ای آتشین به جانش ریختند
دو پرستار و زنکی نیمه لخت،
زیر بازویش را گرفتند.

چون از سرباز بوی عفن می‌آمد،
کشیکی لنگ لنگان در جلوی او به راه افتاد
دود اسفند را همه جا پراکنده
تا سرباز هوا را نگیرد.

دسته موزیک نواخت
مارش پر حرکت نظامی را.
و سرباز سر بر افراخت

آقایی هم با لباس رسمی پیشاپیش رژه می‌رفت،
زیر لباسش بر روی سینه پنبه چپانده بود.
آلمانی بود و وظیفه اش را
خوب می‌دانست.

می‌نواختند و از جاده تاریک می‌رفتند.
و سرباز تلوتلو خوران همراهیشان می‌کرد.
گویی برفی بود که توفان می‌بردش

گرچه ما و سگ‌های غرند
موشها در دشتها جیغ می‌کشند
نی‌خواهند فرانسوی باشند (۴)
چرا که این نفتی است.

و از روستاها که می‌گذرند،
زن‌ها همه جمعند.
درختها خم می‌شوند،
شبی مهتابی است.

و همه هورا می‌کشند.

می‌نوازند و وداع می‌کنند
زنان و سگان و کشتیها
و در میانشان سرباز مرده
همچون جانوری مست

و از روستاها که می‌گذرند،
کسی او را نمی‌بیند،
از پس که زیادند دور او
از پس که می‌نوازند
و هورا می‌کشند دور او

از پس که زیادند
رقصان و پایکوبان به دورش،
کسی نمی‌بیند او را
جز از بالا، که آنجا هم فقط ستاره هست.

ستاره‌ها همیشه نیستند.
صبح فرا می‌رسد
و سرباز، چنان که آموخته
به مرگ قهرمانان می‌میرد.

(۱) کنایه از هیتلر که در مورد خودش
نوشته بود که در جوانی نقاش ساختمان
بوده‌ام.

(۲) منظور جنگ جهانی اول است.
(۳) رنگهای پرچم آلمان قیصری
(۴) اشاره به جو شونیستی حاکم بر
آلمان در آن هنگام



یقیناً از صفحه اول
این کشورها، ایجاد صنایع مدرن هنوز در مرحله پایه‌ای است، در حالیکه مراکز سرمایه‌داری وارد مرحله بالاتری از رشد علمی و فنی می‌شوند. بدین ترتیب شکاف در زمینه رشد اقتصادی کیفیت نوینی یافته و باز هم عمیق‌تر می‌شود.

امپریالیسم با تکیه بر قدرت اقتصادی و برتری اقتصادی و فنی خود نظام کاملی از اشکال نوین اسارت آور، اعم از تکنولوژیک و مالی، ایجاد کرده است. امپریالیسم توانسته است اقتصاد

داشت. شرکتها در فروش فرآورده‌های نفتی به بهای زیاد نیز سودهای هنگفتی به جیب می‌زدند. طی دو بار بروز بحران انرژی (۷۴-۱۹۷۳ و ۸۰-۱۹۷۹)، اوپک قیمت نفت را به سطحی از لحاظ اقتصادی موجه، یعنی مرز مبلغ قابل پرداخت از سوی تقاضاکنندگان، که ۲۴ دلار به ازای هر بشکه بود، رساند. فروشنده هر کالای دیگری نیز اگر به جای اوپک بود چنین می‌کرد. اینکه تقاضا بر اثر برخی عوامل عینی و مانورهای دولتهای غربی سریعاً کاهش یافت، مسئله دیگری است.

اوپک و غرب: چه کسی بهای نفت را پایین می‌آورد و با چه هدف؟

نفت در استراتژی نو استعمار

کشورهای رشد یابنده را باز هم بیشتر در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری ادغام کند و از این طریق، اقتصاد این کشورها را در برابر نوسانات اقتصادی آسیب پذیرتر ساخته است.

کشورهای صنعتی سرمایه‌داری بخش بزرگی از لطامات ناشی از بحران اقتصادی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ را به دوش کشورهای رشد یابنده منتقل کرده‌اند. این امر به کاهش باز هم بیشتر بهای مواد خام صادراتی این کشورها انجامیده است. قروض خارجی این کشورها در شرایط افزایش سریع نرخ بهره وام‌های بین‌المللی، به هزار میلیارد دلار رسیده است. کشورهای رشد یابنده برای پرداخت قروض خود ناچارند سهم فزاینده‌ای از تولید اجتماعی را در اختیار طلبکاران غربی بگذارند. از این رو طبیعتاً است این کشورها نمی‌توانند برنامه‌های رشد خود را اجرا کنند و هر چه بیشتر به امپریالیسم وابسته می‌شوند. غرب از این موقعیت بهره گرفته و خواهان باز شدن درهای اقتصاد جهان سوم به روی شرکت‌های فراملیتی است.

امپریالیسم در حمله متقابل به کشورهای نو استقلال، همچنین از روندهای عینی‌ای که پس از افزایش بهای مواد خام در اقتصاد غرب به وقوع پیوسته‌اند، سود جست است. در غرب برای صرفه جویی مواد خام، طرح و اجرای تکنولوژیهای کم مصرف در زمینه مواد خام، استفاده از مواد اولیه مصنوعی، فرآیند دوباره مواد مصرف شده و دستیابی به منابع زیر زمینی تدابیری صورت گرفت. این امر به کاهش میزان مصرف مواد خام درازای هر واحد تولید اجتماعی و کاهش وابستگی به واردات از آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین انجامید.

یورش به اوپک

روند مشابهی نیز در صنایع نفت صورت پذیرفت. افزایش بهای نفت از سوی کشورهای اوپک، قانونی و از لحاظ اقتصادی موجه بود. شرکتها تا اوایل دهه ۷۰، بهای نفت را در سطح بسیار پایینی نگه داشته بودند تا به کشورهای که در آنجا امتیاز داشتند، مالیات کمتری بپردازند. در فاصله ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، یک بشکه (۱۵۹ لیتر) نفت سعودی تنها ۱/۸۰ دلار، و در حقیقت از این نیز کمتر، قیمت

در بازار یک کالای بسیار مهم استراتژیک، مطلقاً غیر قابل قبول است، تا چه رسد به اینکه اعضای اوپک بکوشند شرایط تجارت جهانی نفت را تعیین کنند. محافل حاکم ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه و هلند و نیز شرکت‌های این کشورها که در کنترل بین‌المللی نفت سهیمند، نمی‌توانند از دست دادن کنترل منابع نفتی، اقتصاد و سیاست گروه بزرگی از کشورهای نو استقلال را فراموش کرده و بر آنها ببخشند. غرب از تجدید توزیع ارزش اضافی ایجاد شده در جهان سرمایه‌داری به سود کشورهای اوپک و نفوذ این کشورها در کل جهان سوم ناخشنود است. امپریالیسم، اوپک را یک رقیب تضعیف شده اما سرسخت می‌داند که بدون از پا درآوردن آن، نمی‌تواند همه کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را به زانو درآورد. از این رو، تضعیف مواضع اوپک، جز میمی از استراتژی عمومی امپریالیسم است.

برای رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده، دست به همه کار می‌زنند، تحریک افکار عمومی غرب علیه اوپک، باج خواهی، دامن زدن به اختلافات میان اعضای اوپک، مبارزه بی رحمانه با یکی و توافق با دیگری، و بالاخره اعمال فشار اقتصادی. در همان سال ۱۹۷۴، به کارگردانی آمریکا نوعی ضد اوپک ایجاد شد، که عبارت است از آژانس بین‌المللی انرژی. اکنون ۳۱ کشور سرمایه‌داری صنعتی عضو این سازمان هستند و تدابیر مشترک علیه سازمان کشورهای رشد یابنده اتخاذ می‌کنند. از میان این تدابیر، تنها به مصوبه‌ای در سال ۱۹۷۹ اشاره می‌کنیم که طبق آن، قرار شد ذخایر نفتی برای اعمال فشار بر بازار جهت کاهش قیمت‌ها افزایش یابد. در عین حال، بریتانیا و نروژ استخراج نفت خود را افزایش داده و با اوپک در اروپای غربی یعنی بازار فروش سنتی آن به رقابت برخاسته‌اند. در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵، تولید نفت انگلیس از ۸۰ به ۱۲۹ میلیون تن و تولید نروژ از ۲۴ به ۲۸ میلیون تن افزایش یافت. اوپک کوشید اعتراض کند، بریتانیایی‌ها و نروژی‌ها را دعوت به همبستگی نمود و در جهت نشان دادن نیت خود، استخراج نفت را کاهش داد. بریتانیا و نروژ واکنشی نشان ندادند.

ماجرای قیمت‌ها

در نخستین ماه‌های سال جاری در بازار نفت قیمت‌ها سقوط کرد. این روند در اوایل ژانویه آغاز شد. تا اواسط مارس قیمت نفت خریداری شده توسط کارخانجات فرآیند نفت بر اساس قراردادهای دراز مدت، به میزان نیمی از رقم اوایل دسامبر ۱۹۸۵ سقوط کرد. قیمت نفت در قراردادهای یک باره بازار روتردام در مورد نفت بریتانیا، در همین مدت از ۲۰/۴ به ۱۲/۱۲ الی ۱۵ دلار برای هر بشکه، در مورد نفت صادراتی مکزیک به آمریکا و نفت دومی به ۱۱ الی ۱۱/۵ دلار کاهش یافت. بدین ترتیب، بازار جهانی سرخپه‌داری ظرف ۱۲ سال، سومین تکان بزرگ را از سر گذراند. اما این بار قیمت‌ها به جای افزایش کاهش یافت. اگر در نظر آوریم که قدرت خرید دلار آمریکا از ۱۹۷۱ تا کنون به کمتر از نصف رسیده است، بهای نفت تا ۵ الی ۷ دلار، یعنی سطح اکتبر ۱۹۷۳، کاهش یافته است.

مصرف نفت به ازای هر ۱۰۰۰ دلار تولید ناخالص ملی، در فاصله ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۲، از ۴۷۰ به ۲۲۰ کیلوگرم و سهم نفت در مصرف انرژی در فاصله ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۴ از ۴۹ درصد به اندکی بیش از ۴۱ درصد کاهش یافت. مصرف تولیدات نفتی در جهان سرمایه‌داری در فاصله ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۲ افزایش نیافت. میزان استخراج نفت در فاصله ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷، از ۲/۴ میلیارد تن به ۲ میلیارد تن کاهش یافت و امروز در سطح ۱۹۷۱ است. در عین حال، استخراج نفت در خارج از حوزه اوپک، چه در کشورهای رشد یابنده و چه در شمار کشورهای غربی، سریعاً افزایش یافت. اوپک در تلاش خود برای پیشگیری از کاهش سریع بهای نفت، ناچار گردید نقش "فروشنده ذخیره" را بر عهده گرفته و در فاصله ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵، استخراج نفت را از ۱/۵۳۵ میلیارد به ۷۹۲ میلیارد تن کاهش دهد. سهم اوپک در میزان استخراج نفت مورد نیاز کشورهای سرمایه‌داری در فاصله ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۵، از ۶۴ به ۴۰ درصد و در صادرات از ۹۲ به ۶۰ درصد کاهش یافت. اما این نیز وضعیت را تغییر نداد. از سال ۱۹۸۲، عرضه بر تقاضا پیشی گرفت و حجم نفت مازاد بر نیاز گردید. از آن پس در بازار، خریدار حاکم‌تر گردید.

از ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵، اوپک ناچار شد قیمت نفت خام خود را به ۲۸ دلار برای هر بشکه کاهش دهد. بدین ترتیب کل درآمد کشورهای اوپک از فروش نفت، در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ از ۲۷۵ به ۱۵۷ میلیارد دلار کاهش یافت.

ریشه این پدیده‌های منفی نه تنها به روندهای عینی، بلکه به سیاست هدفمند امپریالیسم نیز باز می‌گردد. شرکت‌های نفتی هنگامی که در آغاز سالهای ۷۰ ضرورت آغاز استخراج پر خرج منابع نفتی آلاسکا و دریای شمال را احساس کردند، با حمایت محافل حاکم ایالات متحده آمریکا و بریتانیا حتی اوپک را مخفیانه به افزایش قیمت‌ها ترغیب کردند. ابتکار بروز بحران دوم انرژی (۱۹۸۱-۱۹۷۹) عملاً در دست شرکت‌های نفتی آمریکا بود که می‌خواستند از این طریق ضررهای وارده به خود از طریق تورم را جبران کنند.

برای محافل حاکم غرب و انحصارات آنها، ادامه حیات اتحادی مرکب از کشورهای رشد یابنده

اندونزی، ویتنام و کشورهای مانند الجزایر و نیجریه را تحت تأثیر منفی قرار خواهد داد و آنها را ناچار خواهد ساخت و امهائی بیشتری گرفته و در مسیر سیاست خارجی واشنگتن قرار گیرند. نکته برجسته این است که ایالات متحده علاوه بر اعمال فشار اقتصادی بر لیبی، دشمن اصلی آمریکا در میان اعضای اوپک، علیه این کشور اخیراً از طریق تهدید به مداخله نظامی نیز دست به باج خواهی زده است. در محافل آمریکا همچنین این امر که کاهش قیمت‌ها علیه اتحاد شوروی نیز هست، کتمان نمی‌شود. اتحاد شوروی نیز در زمره فروشندگان نفت به بازار سرمایه‌داری است.

واشنگتن برای دستیابی به اهداف خود، آگاهانه برای شرکت‌های نفتی آمریکایی که درآمد آنها تهدید کاهش یافته، مشکلاتی ایجاد کرده است. به‌ویژه شرکت‌های متوسط که مقروض هستند، مجبور شده‌اند برخی از پروژه‌های پرخرج و کم‌حرفه خود را تعطیل کنند. ضرر این روند متوجه بانک‌هایی می‌شود که به بزرگترین بدهکاران در میان صادرکنندگان نفت، وام داده‌اند.

موضع شرکت‌های نفتی چند ملیتی آمریکا در قبال کاهش قیمت‌ها پیچیده‌تر است. این شرکت‌ها به وضوح با اهداف سیاسی دولت همبستگی نشان داده و تا حد معینی نیز با کاهش قیمت‌ها موافقت می‌خواهند جلوی صرفه‌جویی در مصرف نفت و جایگزینی سایر منابع انرژی به جای نفت را بگیرند، جهان را به نفت "معتاد" کنند، سپس کمبود نفت مصنوعی به وجود آورند و بازار قیمت‌ها را افزایش دهند. به نوشته "فورچن"، ارگان محافل سرمایه‌داری آمریکا، مورخ ۱۷ فوریه، "شرکت‌های عظیم نفتی بطور کلی خوش بین بوده و به روز شاید دوری می‌نگرند که در آن باز کمبود نفت بروز خواهد کرد." اما هرچه قیمت‌ها پایین‌تر می‌رود، این شرکت‌ها هم نگرانی بیشتری در مورد اقتصادی بودن استخراج نفت خود در دریای شمال و آلاسکا ابراز می‌دارند. منبوعات غرب مقالات هرچه مفصل‌تری در این باره درج می‌کنند که با وجود قیمت‌های نازل، دیگر سرمایه‌گذاری در اکتشافات و استخراج منابع با مخارج بالای تولید صرف نمی‌کند و این امر به کاهش جدی استخراج نفت کشورهای غربی انجامیده و در اوایل دهه ۸۰، به افزایش وابستگی به اوپک منجر خواهد شد. اظهار نظر شرکت‌های نفتی مستقل در این زمینه، از این هم صریح‌تر است. این شرکت‌ها خواهان برقراری مالیات نفت و تولیدات نفتی از سوی دولت شده‌اند.

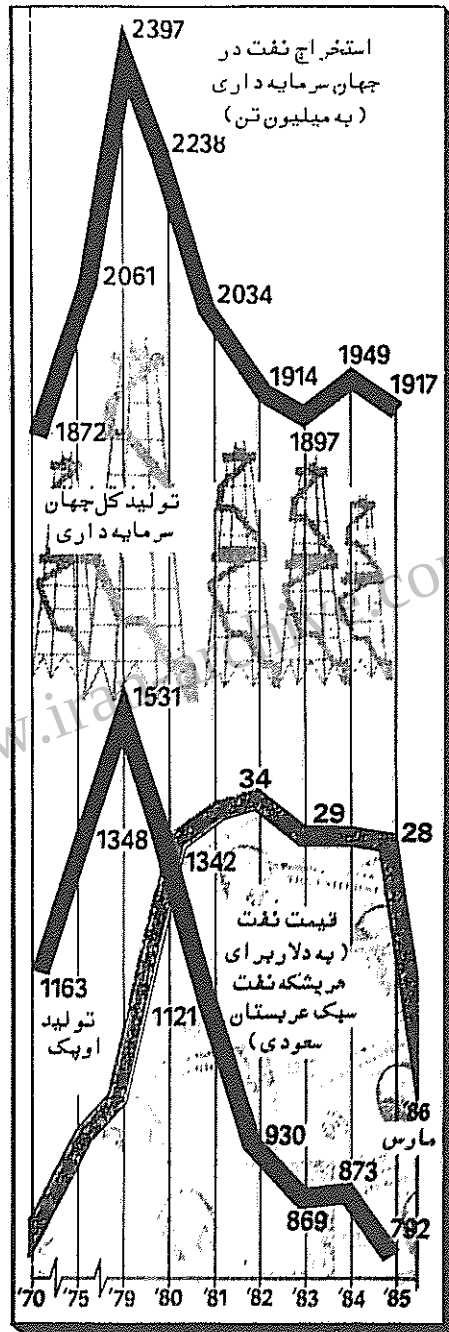
محافل حاکم بریتانیا از شرکت در اقدامات مشترک با اوپک سر باز می‌زنند. آنها اطمینان دارند که تأثیر نیرومند کاهش مخارج مربوط به انرژی بر رشد کل اقتصاد، ضرر ناشی از کاهش بهای نفت را جبران می‌کند.

ضرورت یکپارچگی

در کشورهای رشد یابنده صادرکننده نفت، درک روز افزونی درباره عوامل کاهش قیمت نفت و علت آن وجود دارد. روزنامه المجاهد چاپ الجزایر در شماره ۱۸ فوریه خود این روند را "تجاوز اقتصادی بی‌سابقه" نامید. "لامورا" چاپ اکوادور در ششم فوریه نوشت: "کاهش بهای نفت چیزی از

بقیه در صفحه ۱۴

برای تولید ناخالص ملی آمریکا در سال جاری افزایشی به میزان ۲/۲ تا ۲ درصد و بابیستر، پیش‌بینی می‌کنند. در آمریکا همچنین این نظر اظهار می‌گردد که قیمت پایین نفت در شرایط کاهش نرخ دلار نقش موثری در تثبیت به‌رتد اقتصاد اروپای غربی و ژاپن ایفا خواهد کرد. این را از عواملی می‌دانند که می‌تواند به اقتصاد سرمایه‌داری



کمک کند تا رشد اداری خود را تمدید نموده و از دچار شدن اقتصاد به بحرانی جدید در همین سال ۱۹۸۶، جلوگیری نماید.

نکته‌ای که در آمریکا بدان اهمیت ویژه‌ای می‌دهند، این است که روند جاری، جناح رادیکال اوپک، و به ویژه لیبی، الجزایر و نیجریه را تضعیف کرده و به آستانه ورشکستگی خواهد کشاند، موازنه پرداخت‌های کشورهای با قروض زیاد نظیر مکزیک،

تمام شواهد حاکی است این کاهش چشمگیر ریشه در نسبت واقعی عرضه و تقاضا در بازار جهانی نداشته است. اوایل دسامبر ۱۹۸۵، قیمت نفت نوع سبک (عربی) که سال‌ها نقش استاندارد جهانی را داشت، در روتردام به ۲۷/۹ دلار برای هر بشکه افزایش یافت، و این در حالی بود که در پاییز گذشته، اوپک تولید نفت خود را علیرغم میزان ۸۰۰ میلیون تن تعیین شده به سالانه ۹۰۰ میلیون تن افزایش داده بود. افزایش قیمت‌ها طبق معمول در آغاز فصل سرما صورت گرفت. انتظار می‌رفت مثل هر سال در بهار قیمت اندکی کاهش یابد، اما فقط اندکی، زیرا استخراج نفت بریتانیا، رقیب اصلی اوپک، از بهار سال گذشته بدین سو دیگر افزایش نیافته و به بالاترین حد ممکن خود رسیده بود.

اما برخلاف انتظار، اوایل ژانویه در بازار نفت روتردام هراس عمومی و هرچ و مرج به راه افتاد. قیمت‌ها به‌ویژه در قراردادهای یک باره روبه کاهش گذاشت، آنهم اغلب بدون وجود خود کالا. این موج به بورس بازرگانی نیویورک هم رسید. سهام شرکت‌های نفتی و بانک‌های متحد آنها، حتی "چیس مانپاتان بانک" را کف‌لر سقوط کرد.

علت چه بود؟ کارشناسان غربی به تصمیم اوایل دسامبر سال گذشته هفتاد و ششمین کنفرانس اوپک اشاره می‌کنند که اوپک در آن تصمیم گرفت برای تأمین سهم شایسته‌ای در بازار یکپوشد. این ناظرین همچنین به تهدیدات عربستان سعودی مبنی بر حفظ سطح تولید خود به میزان ۲۱۷ میلیون تن در سال و کاهش قیمت‌ها به ۱۵ الی ۲۱ و یا حتی ۸ دلار در صورت عدم پیوستن بریتانیا و نورژ به تلاش‌های اوپک برای تثبیت بازار و عدم کاهش استخراج نفت آنها اشاره دارند. این ناظرین علاوه بر این موضعگیری ریگان را مطرح می‌سازند که گفته است آمریکا موفق گردیده اوپک را "به‌زور آورد".

اما صریحاً بگوییم، تاکنون بی‌بردن به اینکه سقوط قیمت‌ها چگونه صورت می‌گیرد، دشوار است، زیرا عوامل آن، به سختی پرده پوشی می‌کنند.

فعلاً فقط می‌توانیم بگوئیم بطور عینی روشن‌سازیم چه کسی از این امر سود می‌برد. فوراً می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که به ویژه ایالات متحده سود می‌برد. طبق نوشته مجله آمریکایی تایم، "دولت ریگان در واشنگتن کاهش قیمت نفت را به حساب پیروزی خود گذاشته و قصد ندارد کوچکترین اقدامی در جهت متوقف کردن این روند انجام دهد." دو روند همزمان برای آمریکامنفعت اقتصادی همراه داشته‌اند: کاهش نرخ دلار از فوریه ۱۹۸۵ و کاهش بهای نفت. این دو عامل بعنوان کاتالیزور برای اقتصاد آمریکا که دچار رکود جدیدی شده است، و نیز برای کاهش آهنگ رشد تورم و کسری بودجه عظیم (۱۴۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵) از طریق ارزان شدن واردات نفت مورد استفاده قرار می‌گیرد. روزنامه "فیلادلفیا انکوائیر" در شماره ۲۵ فوریه خود نوشت: "به نسبت کاهش بهای نفت و نرخ دلار، می‌توان تقریباً بطور محسوس دریافت که چگونه صنایع آمریکا از باری سنگین‌رهایی می‌یابند." بیپوده نیست که در ماه فوریه، شاخص "داو-جونز" که شاخص معاملات اقتصادی است، به سرعت تا ۱۶۹۷/۷۱ واحد بالا رفت. پساری از موسسات تحقیقاتی آمریکایی در رابطه با کاهش قیمت نفت

نبردهای طبقاتی در مراکز جهان سرمایه داری

بقیه از صفحه ۱۰

تغییرات در اشکال مبارزه و خواست ها

جالب توجه آن است که در کنار اشکال سنتی اعتصابات، اشکال نوین و متنوعی آزموده و به کار گرفته می شود. از آنجا که بر اثر اعمال فشار سرمایه انحصاری، اثر بخشی اعتصابات "سطحی" پایین آمده، برخی دیگر از اشکال مبارزه توده ای سندیکایی به کار گرفته می شود، که از آن جمله است "اعتصابات اختطاری"، اعتصابات عمومی مدت دار، اعتصابات تناوبی، میتینگ ها، تظاهرات، روزهای اقدامات سراسری و راهپیمایی های اعتراضی. در بسیاری موارد، شیوه های غیر عادی، اما موثر به کار گرفته می شود، مانند ایجاد "دهکده های بیکاران" در مراکز شهری، اعتصاب غذا، تظاهرات خیابانی، سخنرانی های عمومی، اشغال سبیلک ساختمان ادارات و...

مبارزه علیه بیکاری جمعی نقشی محوری در مبارزات سندیکایی به خود اختصاص داده است. با توجه به میلیون ها بیکار، این امر بزرگترین عرصه مبارزه اجتماعی برای سندیکاهاست.

سندیکاهای باید این توهم را که پیشرفت علمی - فنی در شرایط سرمایه داری نیز پیشرفت اجتماعی

بهمراه دارد، کنار نهند. همه این امیدها با روندهای بحرانی سرمایه داری به گور سپرده شد.

طیف خواسته های سندیکاهای در عرصه اشتغال از مطالبه برنامه های دولتی سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال و دخالت دولتی در سیاست ساختاری تا مطالبه کاهش ساعات کار را در بر می گیرد.

تاکیدات جدید در مبارزات پر سر دستمزدها نیز جالب توجه است. اخیراً مطالبات مربوط به دستمزدها و ساعات کار، اغلب با خواسته های در مورد کنترل برنامه های بهره فزایی، محدود ساختن رشد عمقی و جلوگیری از افزایش باز هم بیشتر استثمار همراه است. همچنین بطور فزاینده ای افزایش حقوق مشارکت زحمتکشان و ملی شدن صنایع کلیدی و قرارداد آنها تحت کنترل دمکراتیک، در زمره خواسته های قرار می گیرد.

از عوامل فوق العاده مهم، گسترش جنبش های اجتماعی و دمکراتیک با خصلت توده ای در کنار مبارزات اقتصادی زحمتکشان و ایجاد رابطه متقابل میان این دو است.

این امر به ویژه در مورد جنبش صلح صادق است که در بسیاری از کشورهای سرمایه داری و به ویژه در اروپای غربی، در آغاز دهه ۸۰ بعنوان جنبشی توده ای گسترش یافته است.

افغانستان به سوی گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب

بقیه از صفحه ۱۶

نمایندگان معتبر مردم که منافع افشار و گروه های مختلف جامعه را انعکاس دهند، پتونه ای که این مقامات صرفاً در انحصار حزب دمکراتیک خلق افغانستان نخواهند بود، توسعه تماس، مذاکره و تفاهم با عناصری که تاکنون ناآگاهانه در موضع خصمانه در برابر انقلاب قرار دارند و یا از اعمال ضد ملی و ضد انقلابی خویش پشیمانند.

گذشت های اصولی و ممکن به خاطر توافق ملی، مصالحه اصولی و انعطاف پذیر مطابق با مصالح ملی کشور و صلح و امنیت سراسری کشور، در راه های گذشته، مصوبات شورای انقلابی پیرامون در پیش گرفتن این برخورد جدید، بصورت گسترش این شورا و شورای وزیران به اجرا گذاشته شده است.

برخورد جدید، کاهش دامنه

مبارزه با ضد انقلاب نیست

بدنبال اعلام تصمیمات جدید رهبری افغانستان و آغاز اجرای آن، رسانه های گروهی امپریالیستی که از این نشانه های تحکیم موقعیت حاکمیت انقلابی در افغانستان به هراس افتاده اند، کوشیدند تا ماهیت این تصمیمات را واژگونه جلوه داده و

آن را دلیل ناتوانی انقلاب افغانستان در مبارزه با ارتجاع و ضد انقلاب قلمداد نمایند. رفیق ببرک کارمل رهبر افغانستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل، در پاسخ به سؤال یک خبرنگار آمریکایی در مورد امکان مذاکره با رهبران ضد انقلابی، صریحاً اعلام داشت، "آنان (رهبران ضد انقلابی) عناصر معنوم الحالی هستند که سالها در خدمت محافل امپریالیستی و ارتجاعی و سازمانهای جاسوسی آنها قرار داشته اند. اینان از طرف توده های میلیونی زحمتکشان کشور ما طرد شده و به دامان اربابان امپریالیستی و ارتجاعی خود پناه برده اند.

برخورد جدید به مسئله گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب افغانستان، به معنای کاهش دامنه مبارزه با ضد انقلاب نیست. گواه بارز این امر آن است که به موازات تصمیمات اخیر رهبری افغانستان، گروه های هر چه بیشتری از مردم افغانستان و به ویژه اقوام و قبایل مرزی، به جبهه فعال و مسلحانه با ضد انقلاب روی می آورند. این امر، و قبل از همه قیام قهرمانانه قبایل پشتون علیه اشرار ضد انقلابی و ارتش مزدور پاکستان، مبارزه با ضد انقلاب در نوار مرزی پاکستان و افغانستان را وارد مرحله کیفاتی نوینی کرده است.

نفت در استراتژی نواستعمار

بقیه از صفحه ۱۳

استراتژی قدرتهای امپریالیستی برای افزایش وابستگی کشورهای رشد یابنده و حل مشکلات اقتصادی و مالی امپریالیستها از طریق بیرون کشیدن سرمایه از این کشورهاست.

کشورهای رشد یابنده صادرکننده نفت در برابر کاهش قیمتها به هیچ وجه بی تفاوت نیستند. ابتکار "دوئل قیمتها" با بریتانیا از عربستان سعودی ناشی گردید که با این کار، مقاصد دیگری را نیز دنبال می کند. این مقاصد عبارتند از وادار کردن شرکا و در عین حال رقبایش در اوپک به رعایت سقف تولید توافق شده، تضعیف جناح رادیکال و تثبیت موضع رهبری خود در اوپک. در ارزیابی رفتار عربستان سعودی باید در نظر گرفت که شرکت های نفتی آمریکایی معمولاً چهار پنجم نفت صادراتی این کشور را خریداری می کنند و شیخ یمنی، وزیر نفت و منابع کانی، عملکرد خود را باز آوری نمایندگان این شرکتها هماهنگ می سازد. و بالاخره نباید از یاد برد که عربستان سعودی مناسبات سیاسی و تجاری نزدیکی با آمریکا که در آن بیشترین سهم سرمایه گذاری خارجی سعودی به عمل آمده، دارد.

بدنبال رسیدن استخراج نفت بریتانیا به بالاترین حد آن، شرکت های آمریکایی با افزایش

استخراج نفت سعودی به مقادیر بیشتری نفت دست یافته اند. این امر بدون کاهش قیمت ها امکان پذیر نمی بود. تولید فراورده های نفتی و فروش این فراورده ها سود های هنگفتی عاید این شرکتها کرده است.

آیا این امر نباید باعث این گمان گردد که منافع نفتی ریاض و واشنگتن، که عربستان سعودی بعنوان مجرای اهداف جهانی محافل حاکم آمریکا خواه ناخواه در چارچوب آن عمل می کند، به میزان معینی یکسان است؟

در هر حال سیاست نفتی سعودی در اوپک به ویژه از سوی جناح رادیکال آن، مورد انتقاد فزاینده قرار می گیرد که این امر بی دلیل نیست.

مکزیک و نیجریه پس از کاهش قیمت ها دچار وضع بسیار دشواری شده اند. میگوئل دلامادید رئیس جمهور مکزیک از مهمترین کشورهای صنعتی سرمایه داری خواستار کمک فوری مالی شد زیرا کشورش ناچار به تعلیق پرداخت قروض خارجی خود گردیده است. آمریکا و بریتانیا اعطای اعتبارات دولتی و پرداخت وام از سوی صندوق بین المللی پول به نیجریه را منوط به کاهش ارزش واحد پول این کشور و برخی دیگر اقدامات به سود وام دهندگان کرده اند.

مشکلات مشترک، تلاش بسیار، از کشورهای صادرکننده نفت برای وحدت را تقویت کرده است. اوپک اعلام نموده است به تنهایی نمی تواند بازار را ثبات بخشد و کاهش قیمتها را متوقف سازد. آنگولا، مصر، عمان، مالزی و مکزیک نیز در هماهنگی اقدامات ذینفع اند.

در چنین شرایطی، در تاریخ ۱۶ مارس در ژنو هفتاد و هفتمین کنفرانس اوپک با حضور ناظرین کشورهای نامبرده صادرکننده نفت که عضو اوپک نیستند، گشایش یافت. شرکت کنندگان در کنفرانس، با این وظیفه دشوار روبرو هستند که بر سر محدود کردن استخراج نفت توافق کنند، کاهش قیمتها را متوقف سازند و سپس قیمتها را افزایش دهند. به عقیده محافل اقتصادی و افکار عمومی کشورهای رشد یابنده صادرکنندگان نفت در این شرایط ضروری است اعضای اوپک شهادت و آمادگی دستیابی به سازش به سود منافع عمومی را از خود نشان دهند، زیرا دیگر تنها یک مسئله مشخص مطرح نیست. آنچه مطرح است، مسئله بسیار گسترده تر و اصولی تر است، که عبارت است از اینکه آیا کشورهای رشد یابنده خواهند توانست در مبارزه با نواستعمار از منافع خود با موفقیت دفاع کنند یا نه. سرنوشت آنها در دست خود آنهاست.

مبارزه برای قطع انفجارهای هسته ای ادامه دارد

آمریکایی‌ها علی‌رغم اعتراضات گسترده بین‌المللی، برای دومین بار در ظرف دو هفته، یک انفجار هسته ای در صحرای نوادا انجام داد. در بسیاری از کشورهای جهان با اعلام این خبر، تظاهرات خودانگیخته ای علیه سیاست ماجراجویانه و بی‌اعتنایی دولت ریگان به افکار عمومی بین‌المللی برپا گردید. موضوع انفجارهای هسته ای، در کنار جلوگیری از نظامی کردن فضا و در پیوند با آن، به محور مبارزات حول امر صلح و خلع سلاح تبدیل شده است.

خبرگزاری شوروی تاس اعلام کرد، "با توجه به انفجار هسته ای جدید ایالات متحده آمریکا، دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اعلام می‌دارد تعهد یکجانبه‌اش مبنی بر خودداری از انجام انفجارهای هسته ای منتهی شده است." بیانیه تاس می‌افزاید در عین حال اتحاد شوروی آماده است هر زمان که دولت آمریکا اعلام کند از چنین انفجارهایی چشم‌پوشی نماید و موراتوریوم مشترکی در مورد انفجارهای هسته ای را رعایت نماید.

برزو و کوئینار دبیرکل سازمان ملل متحد در نخستین واکنش خود در برابر انفجار هسته ای جدید

آمریکا خواست ملل متحد مبنی بر قطع آزمایش‌های هسته ای و انعقاد موافقت‌نامه گسترده درباره پایان بخشیدن به این آزمایش‌ها را مورد تأکید قرار داد. بسیاری از نمایندگان کنگره آمریکا آزمایش جدید را مورد انتقاد شدید قرار دادند. سناتور جمهوری خواه هارتفیلد گفت این اقدام دیگر نه یک آزمایش اتمی، بلکه آزمون مسئولیت و اشتقاق در قبال امر کنترل تسلیحات بود، و آمریکا از این آزمون سر بلند بیرون نیامد. سناتور ادوارد کندی از دولت ریگان به خاطر عدم استفاده از موقعیت برای دستیابی به موافقت در مورد قطع آزمایش‌های هسته ای انتقاد کرد. ویلی برانت رهبر حزب سوسیال دمکرات آلمان خواهان اعمال فشار افکار عمومی بر دولت آمریکا برای دادن پاسخ مثبت به پیشنهاد شوروی در مورد قطع آزمایش‌ها شد. و آرشاپ بنید آمریکارا مغایر با عقل سلیم خواند. وزیر خارجه ژاپن اعلام کرد دولت این کشور از آخرین آزمایش آمریکا "عمیقاً متأسف است" تاکنش آراکی شهردار هیروشیما به اقدام آمریکائید را اعتراض کرد.

اخبار کوتاه

* کنگره ملی آفریقا از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست برای لغو حکم اعدام علیه "آندرو زوندو" مبارزه آزادی‌خواه ۱۹ ساله که توسط مقامات رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی صادر شده است، اقدام نماید. حکم اعدام زوندو در روز دوم آوریل صادر شد.

* در جریان سفر واین برگر وزیر دفاع آمریکا به فیلیپین، تظاهرات گسترده ای علیه آمریکا و پایگاه‌های ایالات متحده در فیلیپین صورت گرفت. عکس، صحنه ای از تظاهرات مردم مانیل در برابر کاخ ریاست جمهوری فیلیپین را نشان می‌دهد. واین برگر در دیدار از مانیل با آگینو رئیس جمهور جدید ملاقات کرد.



* دهها هزار تن از مردم کره جنوبی در چندین شهر با شرکت در تظاهرات گسترده ای، خواهان برچیدن دیکتاتوری و تغییر قانون اساسی این کشور شدند. تظاهرات در شهر تائگو واقع در جنوب شرقی کشور، ۶۰ هزار تن در میتینگ که آلبوزیسون برگزار کرده بود، شرکت کردند. پلیس به دنبال این میتینگ، به تظاهرات حدود دو هزار جوان حمله کرد و ۱۴ تن از آنان را دستگیر نمود. در شهر کوانگ‌جو واقع در جنوب غربی کره جنوبی، صد هزار تن به تظاهرات دست زدند.

* بیش از صد تن از اعضای پارلمان‌های ۱۸ کشور آمریکای لاتین، با امضای بیانیه ای، سیاست آمریکا در قبال نیکاراگوئه را "دخالت علنی" و "نقض خشن حقوق بین‌المللی" خوانده و شدیداً محکوم کردند. آن‌ها همچنین از ابتکار صلح کشورهای گروه "کونتادورا" (مکزیک، پاناما، ونزوئلا و کلمبیا) حمایت به عمل آوردند. وزرای خارجه کشورهای آمریکای لاتین ملی یک نشست درباره مسائل آمریکای مرکزی به تبادل نظر پرداختند. وزیر خارجه مکزیک در این نشست خواهان قطع حمایت نظامی آمریکا از ضد انقلابیون نیکاراگوئه شد.

* سران آنگولا، بوتسوانا، موزامبیک، زامبیا، زیمبابوئه و تانزانیا و نمایندگان کنگره ملی آفریقا و سوابو ملی کنفرانسی در لواندا پایتخت آنگولا درباره جنوب آفریقا به گفتگو نشستند. در این کنفرانس "خوزه ادوارد دوس سانتوز" رئیس جمهور آنگولا خواهان تحکیم یکپارچگی کشورهای خط مقدم جبهه و تقویت پشتیبانی از مبارزه رهایی‌بخش خلق‌های آفریقای جنوبی و نامیبیا شد.

افزایش خطر حمله آمریکایی لیبی

معمر قذافی در یک کنفرانس مطبوعاتی در طرابلس هر گونه دخالت لیبی در ماجرای بمب‌گذاری برلن غربی را تکذیب کرد و گفت تبلیغات درباره این اتهام، هدف توجیه تجاوز به لیبی را دنبال می‌کند. وی موافقت بدون شرط خود را با پیشنهاد میخائیل گورباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی مبنی بر خروج هم‌زمان ناوگان ایالات متحده و اتحاد شوروی از دریای مدیترانه، اعلام نمود و افزود این پیشنهاد حاکی از موضع مسئولانه و منطقی اتحاد شوروی است. آندریاس پایاندرو نخست‌وزیر یونان طی دیدار از پکن اعلام داشت چین و یونان با هرگونه حمله نظامی به یک کشور مستقل مخالفت می‌کنند.

شیکه تلویزیونی "ا، بی - سی" آمریکا گزارش داد نقشه حمله جدید نظامی ایالات متحده به لیبی تهیه شده و به محض بازگشت واین برگر وزیر دفاع و بوش معاون رئیس جمهور از سفرهای خارجی‌شان، درباره زمان اجرای آن، تصمیم گرفته خواهد شد. آمریکا با استفاده از ماجرای انفجار بمب در برلن غربی که به کشته شدن یک سرباز آمریکایی انجامید، کارزار تبلیغاتی جدیدی علیه لیبی به راه انداخته است. این در حالی است که مقامات برلن غربی اعلام کرده‌اند هیچ نشانه‌ای مبنی بر دخالت لیبی در انفجار مزبور وجود ندارد.

پنتاگون، وزارت جنگ آمریکا، به سه ناو هواپیمابر خود در مدیترانه دستور آماده‌باش برای "وارد آوردن ضربه نظامی به لیبی" داده است.

مقدمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا

الساندرو ناتا برنامه "جنگ ستارگان" ریگان را مورد انتقاد قرار داد و گفت پافشاری و اشتقاق بر عدم مذاکره پیرامون "ابتکار دفاعی استراتژیک"، سایه تکران کننده ای بر مذاکرات ژنو می‌افکند، مذاکراتی که طبق توافق قبلی هم به سلاح‌های میان‌برد و هم استراتژیک و هم به سلاح‌های فضایی مربوط است، وی افزود، "دیگر چه مذاکراتی می‌تواند وجود داشته باشد وقتی گفته می‌شود درباره یکی از سه مورد، جای مذاکره نیست؟"

در رابطه با مسائل سیاست داخلی، دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا گفت زحمتکشان یار اقداماتی را که به سود سرمایه داران انجام گرفته، به دوش می‌کشند، اما این اقدامات هیچ تغییری در وضعیت اشتغال، به‌ویژه در جنوب ایتالیا، در پی نداشته است. دستمزدها ثابت مانده‌اند و مواضع سندی‌کاما تضعیف شده است. هیچ اقدام جدی در جهت تخفیف بیکاری گسترده صورت نگرفته است. کسری بودجه همچنان رو به افزایش است، و شکاف بین جنوب و شمال ایتالیا عمیق‌تر می‌شود.

چهارشنبه نهم آوریل، مقدمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا در شهر فلورانس آغاز به کار کرد. پس از سخنرانی الساندرو ناتا، دبیرکل حزب، شمار زیادی از نمایندگان کنگره درباره گزارش وی اظهار نظر کردند. مواضع حزب کمونیست ایتالیا پیرامون "آلترناتیو دمکراتیک" از موارد محوری سخنرانی‌ها بود و در این باره، نقله نظرات مختلفی ابراز شد.

ناتا در گزارش خود به کنگره خاطرنشان ساخت حزب در برابر این وظیفه قرار دارد که "مرحله ای نوین در سیاست‌ها گشوده و بازسازی فکری، برنامه ای سازمانی حزب را به پیش برد."

وی مسئله جنگ و صلح را مسئله اصلی دوران ما خواند و گفت نقش اتحاد شوروی در سیاست بین‌المللی، با برگزاری کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و ابتکارهای جدید این کشور تقویت شده است. دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا از نقش اتحاد شوروی در بحران اخیر مدیترانه قدردانی کرد.

هشت سال پس از پیروزی نور

افغانستان به سوی گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب

در شماره پیش "اکثريت"، سلسله مطالب مربوط به هشتمین سالگرد انقلاب پیروزمند نور در افغانستان را از مصاحبه‌ای با رفیق محسن زاده عضو دایره روابط بین‌المللی حزب دمکراتیک خلق افغانستان آغاز

تژهای دمگانه ببرک کارمل

در سال گذشته بدنبال برگزاري "لویه جرگه" و "جرگه عالی قیابیل" که نمایندگان وسیعترین اقشار و گروههای مردم افغانستان در آن شرکت جتند، رهبری افغانستان با احساس مسؤولیت در قبال ضرورت گسترش این روند و توضیح بنیادهای نظری آن، در اجلاس فوق‌العاده ووسیع شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان، تژهای دمگانه‌ای را اعلام نمود که بعداً به تژهای دمگانه رفیق ببرک کارمل مشهور گردید. رؤس این تژهای شرح زیر است:

راه پیشرفت انقلاب در افغانستان هموار نبوده، روندی طولانی و مشکل است که مرحله به مرحله پیش می‌رود. بفرنجی روند دمکراتیزه

کردیم. در این شماره، به تصمیمات و اقدامات اخیر رهبری حزب و دولت انقلابی افغانستان به منظور گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب، که از مهمترین رویدادهای سال گذشته در افغانستان انقلابی بود، می‌پردازیم.

کردن حیات اجتماعی و سیاسی و تحقق دگرگونی‌های مهم اجتماعی و اقتصادی در کشور، تنها ناشی از عقب‌ماندگی‌ها و مسائل گذشته و دشواریهای مبارزه با ضد انقلاب داخلی و خارجی نبوده، بلکه اشتباهات و خطاهای جدی نیز در این زمینه نقش فاجعه‌باری داشته‌اند. اعمال جنایتکارانه حقیقت‌اللهمین و باند وی، زیانهای سنگین و بسیار دردناکی را به امر انقلاب ملی و دمکراتیک افغانستان وارد کرد. انقلاب با منافع اکثریت مطلق مردم مطابقت کامل دارد، از این رو همه میهن‌پرستان که به آرمانهای انقلاب پایبندند، حق دارند و باید در امر ساختمان افغانستان نوین و دمکراتیک سهم بگیرند. هدف این است که همه مسائل ملی مورد بحث کشور در فضای آزاد و دمکراتیک، به شیوه سالم‌آمیز و بر اساس منافع ملی حل

اجتماعی و فرهنگی تضمین می‌نماید.

کرد.

"برخورد جدید" به گسترش پایه‌های اجتماعی انقلاب

رفیق ببرک کارمل دبیرکل حزب دمکراتیک خلق و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان، در سخنرانی خود در اجلاس فوق‌العاده شورای انقلابی، "برخورد جدید" به مسائل مربوط به توسعه پایه‌های اجتماعی انقلاب را چنین توضیح داد:

— آمادگی برای همکاری وسیع سراسری ملی بر پایه منافع همه خلق و مصالح ملی. بقیه در صفحه ۱۴



زحمتکشان افغانستان، مصمم به دفاع مسلحانه از انقلاب

۴۸ حزب نامزدهای خود را برای احراز کرسی‌های نمایندگی اعلام کرده‌اند، اما ناظران تنها برای هفت حزب از شمال و سه حزب از جنوب سودان امکان موفقیت قائلند. مهمترین این احزاب عبارتند از "جبهه ملی اسلامی" به رهبری "حسن الترابی" سرکرده اخوان المسلمین و مشاور سیاست خارجی نمیری، حزب کمونیست سودان که ابراهیم نقود دبیرکل آن از محبوبترین شخصیت‌های سیاسی کشور است، حزب بعث طرفدار عراق، "حزب ملی سودان" به رهبری فیلیپ کابوش که از مبارزه مسلحانه در جنوب حمایت می‌کند، "حزب اتحاد ملی" که طرفدار مصر و خواهان حفظ قوانین شرعی است، "حزب اتحاد دمکراتیک" طرفدار مصر و حزب "امت" که غرب‌گرا و اسلامی است.

توده‌ای نبوده است. نظامیان درهراس از عواقب اقداماتی نظیر گرانی مایحتاج اولیه، شرایط اعطای وام صندوق بین‌المللی پول را رد کردند.

از سوی دیگر، جنبش گسترده توده‌ای که به سرنگونی نمیری انجامید، متحد زیادی تحت تأثیر نیروهای محافظه‌کار و احزاب سنتی آن‌ها قرار داشته و دارد. منبع تأمین مالی این احزاب، عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است. احزاب مزبور از قوانین اسلامی که نقش عمده‌ای در مخالفت مردم غیر عرب و غیر مسلمان جنوب سودان دارد، دفاع می‌کنند. جنگ در جنوب سودان ادامه دارد و ارتش ناچار شده است چند شهر نظیر "کورموک" و "رومیک" را تخلیه کند. در نزدیکی به نیمی از حوزه‌های انتخاباتی جنوب سودان، انتخابات فعلی انجام نمی‌گیرد.

برای نخستین بار پس از هفده سال، در سودان انتخابات با آزادی نسبی برگزار می‌شود. هرچند صرف برگزاری آن، ثمره مبارزات مردمی است، اما انتظار نمی‌رود مهمترین مسائل کشور با این انتخابات حل شود.

انتخابات سودان

امپریالیستی، طبق معمول عبارت بود از حذف سوبسید مواد غذایی، کاهش هزینه‌های اجتماعی و آزاد کردن نرخ ارزی واحد پول سودان.

در جنوب، دولت جدید در برابر خواست‌های "جنبش آزادیبخش سودان" به رهبری سرهنگ "جان کارانگ" مقاومت می‌کند. این خواست‌ها که جنبش مزبور تحقق آن‌ها را شرط برقراری آتش‌بس و شرکت در انتخابات قرار داده، عبارتند از تشکیل مجمع تدوین قانون اساسی یا شرکت این جنبش، لغو مقررات فوق‌العاده و لغای قوانین شرعی اسلامی.

در ریشه‌یابی علل به بن‌بست رسیدن حل دو مسئله بالا، ناظران سیاسی به ضعف نسبی رژیم نظامی در برابر جنبش توده‌ای اشاره می‌کنند. بدون تردید، آنچه باعث رد شرایط صندوق بین‌المللی پول توسط دولت گردیده، نه تمایل خود حکومت نظامی، بلکه وجود نیرومند جنبش

انتخابات پارلمانی سودان به مدت دوازده روز، از فاصله اول تا دوازدهم آوریل، برگزار شد. تا هنگام تنظیم این خبر، گزارشی درباره نتیجه این انتخابات انتشار نیافته بود.

برگزاری انتخابات طبق وعده‌ای صورت می‌گیرد که شورای نظامی حاکم بر سودان پس از به دست گرفتن قدرت اعلام نمود. نظامیان متعهد شده بودند ظرف یک سال انتخابات پارلمان برگزار شود و اینک با اندکی تأخیر، این انتخابات انجام می‌گیرد.

در طول یک سال که از سرنگونی نمیری می‌گذرد، حکومت جدید نتوانسته است دو مسئله حاد کشور، یعنی بحران اقتصادی و جنگ داخلی در جنوب را حل کند. در ماه فوریه، همان‌گونه که "اکثريت" گزارش داد، صندوق بین‌المللی پول به دنبال رد شرایطش برای اعطای وام از سوی دولت خارطوم، سودان را "بی‌اعتبار" اعلام نمود. شرایط این سازمان مالی

AKSARIYAT
NO. 102
MONDAY APR 14 86
Address: RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY